

الگوی روسی مدیریت بحران سوریه

محمد جواد فتحی^۱
عبدالوهاب یوسفی نژاد^۲

چکیده

بحران سوریه بیش از هر کنشگر فرامنطقه‌ای منافع فدراسیون روسیه را در معرض تهدید قرار داده است؛ به همین دلیل این کشور در راستای صیانت از منافع خود در منطقه استراتژیک خاورمیانه و زیرسیستم مدیترانه در صدد مدیریت تحولات برآمده است. سؤال محوری پژوهش این است که الگوی روسی مدیریت بحران سوریه از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ به منظور پاسخ به این سوال از مدل نظری مکعب بحران چارلز هرمان و مؤلفه‌های سه گانه «تهدید»، «زمان» و «آگاهی» بهره گرفته شده است. بحران مذکور کشور روسیه را با مسئله گزینش از میان سه الگوی مدیریت نرم‌افزاری و مسالمت‌آمیز، قهری و تهاجمی و هوشمند مواجه ساخته است. در بحران سوریه میزان تهدید موجود علیه ارزش‌های اساسی و حیاتی روسیه خفیف بوده و از سوی دیگر زمان زیادی جهت پاسخگویی به تهدیدات در اختیار است و البته میزانی از عدم آگاهی نسبت به پدیده‌ها و مکان رخ دادن آن‌ها نیز وجود دارد، از این رو مطابق مکعب بحران، خوانش فدراسیون روسیه از تحولات سوریه این است که بحران از نوع کند و بطئی می‌باشد، بنابراین فوریتی جهت اقدامات تهاجمی و قهری نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقامات روسیه بر اساس نوع استنباط و معنایابی از سه مشخصه اصلی مکعب بحران به این نتیجه رسیدند که الگوی مدیریت هوشمند بحران با اولویت بهره‌گیری از اهرم‌های نرم‌افزاری نتایج بهتری را برای آنها به همراه خواهد داشت. این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد توصیفی انجام شده و شیوه گردآوری داده‌ها نیز اسنادی - کتابخانه‌ای بوده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت هوشمند، روسیه، بحران سوریه، مکعب بحران.

^۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، نویسنده مسئول: f.mjavad@yahoo.com
^۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، vahabyousefi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱

Russian Model for the Management of the Syrian Crisis

Mohammad Javad Fathi¹

PhD Student in Political Science (Futurism of Political Studies of the Islamic Revolution), Shahed University, Faculty of Humanities,

Abdolvahab Yosefinezhad

Graduate of Central Asian and Caucasus Studies, ECO Insurance Higher Education Institute, Allameh Tabatabai University,

Abstract

The Syrian crisis has threatened the interests of the Russian Federation more than any other transregional actor; therefore, to protect its interests in the strategic region of the Middle East and the Mediterranean subsystem, it has sought to manage the developments. The central question of the research is what are the characteristics of the Russian model of crisis management in Syria? To answer this question, Charles Hermann's Crisis Cube theoretical model and the three components of "threat", "time", and "awareness" have been used. The crisis has left Russia with a choice between three management models: peaceful and software, coercive and aggressive, and intelligent management. In the Syrian crisis, the threat to Russia's core values is insignificant and on the other hand, there is plenty of time to respond to threats, and of course, there is a lack of awareness of the events and where they occur; hence, according to the Crisis Cube model, the Russian Federation's interpretation of the developments in Syria is that the crisis is slow, so there is no urgency for aggressive and coercive actions. The findings show that the Russian officials, based on the type of inference and interpretation of the three main characteristics of the Crisis Cube, concluded that the model of intelligent crisis management with the priority of using software levers will bring about better results for them. This research has been done qualitatively using a descriptive-analytical approach and the method of data collection has been documentary-library method.

Keywords: intelligent management, Russia, the Syrian crisis, Crisis Cube.

مقدمه

منطقه غرب آسیا با توجه به منابع روزمینی و زیرزمینی فراوان و همچنین موقعیت راهبردی و استراتژیکی مثال زدنی، از زمره گستره‌های حیاتی و غیرقابل اغماض برای قدرت‌های جهانی بوده و از دیرباز محل رقابت آن‌ها قرار داشته است. این منطقه حد واسط جهان غرب و شرق است و طبیعتاً قرارگیری در جرگه اتحاد با هر کدام از دو بلوک، منجر به تغییر موازنه قدرت بر نفع یک بلوک و علیه محور دیگر خواهد

¹ Corresponding Author: F.Mjavad@Yahoo.Com

گردید. از سوی دیگر برخی کشورهای این گستره نظیر سوریه از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که از آن با عنوان بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان یاد می‌کنند. نکته دیگر این است که فرآیند توسعه سیاسی و اقتصادی این منطقه به صورت هم‌زمان صورت نگرفته و بعضاً مشاهده می‌شود که کشورهای این منطقه در هیچ کدام از حوزه‌های موضوعی توسعه پیدا نکرده و از انجام کار ویژه‌های حکمرانی ناتوان هستند. این مسئله به همراه چند پارگی‌های اجتماعی و فرهنگی موجود، خلاءها و شکاف‌های بسترسازی جهت مداخله عوامل خارجی میسر ساخته است. به همین خاطر وقوع بحران‌های طبیعی و ساختگی به صورت ادواری و ممتد از وجوه ثابت گستره غرب آسیا به شمار می‌رود. جدیدترین و یکی از طولانی‌ترین بحران‌های این منطقه را می‌توان در سوریه مشاهده نمود که وضعیت آشوبناکی منطقه را بیش از پیش تسریع بخشیده و افق حل معضله‌های امنیتی را مبهم‌تر و پیچیده‌تر ساخته است. یک جنبه از بحران به وجود مشکلات داخلی ناشی از نظام تک‌حزبی و عدم وجود آزادی‌های مدنی و سیاسی، اقتصاد توسعه‌نیافته و وجود فساد در کشور و نبود هویت ملی فراگیر و عدم تساهل مذهبی و قومیتی مربوط می‌شود، لایه مهم‌تر بحران ناشی از تراحم و مباینت خواسته‌های بازیگران متعدد و متکثر ذی‌نفوذ هست. در حوزه داخلی از یک‌سو دولت مرکزی و دستگاه‌های نظامی، اطلاعاتی و یگان‌های بسیج مردمی وفادار به دولت مرکزی قرار گرفته‌اند و در مقابل، دگرهای طردشده و غالباً اجیرشده‌ای نظیر گروهک‌های تروریستی مسلح و مخالفان غیر مسلح صف‌آرایی کرده‌اند، در بعد منطقه‌ای نیز دو محور به اصطلاح سازش منطقه‌ای و محور مقاومت اسلامی رودروری یکدیگر هستند، سرانجام در گسترده‌ترین سطح، قدرت‌های جهانی یعنی آمریکا و روسیه قرار دارند. باید بیان داشت که منشأ ابتدایی بحران ناشی از مسائل داخلی بوده منتها تطویل بحران نتیجه مداخله عناصر خارجی هست که سعی در محقق ساختن مطامع یا صیانت از منافع خود دارند. امکان بررسی جملگی عناصر دخیل در بحران در این مقال میسر نبوده و لذا مطالعه موردی عوامل اثربخش جهت یافتن گزاره‌های روایی اهمیت شایانی دارد. بر این اساس با توجه اتحادی که روسیه و سوریه از چندین دهه پیش تاکنون داشته‌اند و نظر به اینکه مسکو در طول بحران مکانیسم خاصی به منظور دفاع از متحد خود اتخاذ نموده است و در نتیجه کنکاش و پایش (پاییدن و نگاه کردن) و پویش (جست‌وجو کردن) در خصوص چیستی، چرایی و چگونگی نقش آفرینی فدراسیون روسیه در تحولات سوریه بر اساس مدل مکعب بحران چارلز هرمان گزینش شده است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که الگوی روسی مدیریت بحران سوریه از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ لازم به ذکر است که آینده بحران سوریه برای فدراسیون روسیه اهمیت زیادی دارد و روسیه

خواستار پدیدار شدن وضعیتی است که نه تنها گروهک‌های افراط‌گرا و تکفیری جایگاهی در اداره کشور نداشته باشند بلکه از روی کار آمدن دولت غرب‌گرا نیز جلوگیری به عمل آورد. به منظور یافتن پاسخ بهتر برای سؤال اصلی این سؤال فرعی نیز مطرح می‌شود که مسائلی از قبیل سیاست‌های هژمونیک گرایانه ایالات متحده آمریکا، رشد فعالیت گروه‌های تکفیری، منافع اقتصادی و موضوعات راهبردی چه نقشی بر کنش و واکنش روسیه در بحران سوریه داشته است؟ این پژوهش با استفاده از روش کیفی و رویکرد توصیفی انجام شده است. داده‌ها با بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای ثبت، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

معرفت، شناخت و بررسی موضوعی و محتوایی تحقیقات مرتبط با پژوهش حاضر از جمله بخش‌هایی است که از یک سو نگارنده را با دستاوردها و نتایج حاصل شده توسط دیگر محققان آشنا می‌کند، دیگر کاربرد چنین رویکردی این است که موضوعات، خلاءها، مسائل و شاخص‌های محوری مغفول مانده نیز آشکار می‌گردد. ذیل این بخش سعی بر آن است که پیشینه پژوهش در منابع داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار گیرد.

مهدی هدایتی شهیدانی و رمان ولادیمیر وویچ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوهای رفتاری روسیه و آمریکا در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای؛ مطالعه موردی بحران سوریه» این سؤال را مطرح می‌کنند که مهم‌ترین راهبرد دو قدرت مهم ساختار بین‌المللی یعنی روسیه و آمریکا نسبت به بحران سوریه چیست؟ نگارندگان بر این اعتقاد هستند که آمریکا در بحران سوریه در راستای محدود کردن حوزه‌های نفوذ مسکو عمل می‌کند، از سوی دیگر روسیه نیز با توازن‌بخشی و مخالفت با اقدامات آمریکا از جمله محکومیت حمله نظامی برضد یک دولت دارای حاکمیت سرزمینی بدون توجه قانونی، نه تنها نشان داده است که برنامه‌ای برای از دست دادن متحد دیرین خود در فضای پرتنش خاورمیانه ندارند، بلکه بدین طریق وزن ابزارهای چانه‌زنی خود را نسبت به واشنگتن در سایر موضوعات بین‌المللی در سطح بالایی حفظ خواهد کرد و اهمیت خود را به عنوان یکی از ارکان مدیریت بحران‌های جهانی و منطقه‌ای به رخ حریف خواهد کشید. علی آدمی و مهری آخرالدین (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه: ریشه‌ها، اهداف و پیامدها» این سؤال را مطرح می‌سازند که سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه دارای چه ریشه، اهداف و پیامدهایی است؟ نگارندگان بر این عقیده هستند که روسیه جهت حفظ منافع استراتژیک و توازن قوا در منطقه خاورمیانه و دریای مدیترانه و جلوگیری از حضور امنیتی و نظامی غرب به حوزه تحت نفوذش، در پی حفظ نظام و ثبات سیاسی حاکم در سوریه

است. به منظور صیانت از این منافع روسیه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک کمک‌های زیادی به نظام بشار اسد کرده و از حمله کشورهای غربی به این کشور ممانعت به عمل آورده است، از این منظر یکی از دلایل اصلی ابقای بشار اسد در قدرت پشتیبانی روسیه بوده است. روی آلیسون^۱ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «روسیه و سوریه: توضیح همسویی با رژیم در بحران^۲» بر این عقیده است که روسیه یک سپر دیپلماتیک را برای دمشق در شورای امنیت سازمان ملل فراهم کرده و همچنان به تهیه تسلیحات مدرن ادامه داده است. پوتین در برابر هر سناریویی جهت مداخلات غرب در سوریه مقاومت می‌کند. این مقاله همچنین استدلال می‌کند که هویت یا همبستگی بین اتحاد جماهیر شوروی / سوریه کماکان در بین سیاست‌گذاران امنیتی روسیه پایدار مانده است. هر چند روسیه منافع مادی در سوریه دارد و از سوی دیگر هنوز هم امیدوار است که خود را در سیاست منطقه‌ای خاورمیانه وارد کند اما تأثیر بالقوه بحران سوریه بر نظم سیاسی داخلی کشور روسیه از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بین سرریز منطقه‌ای بحران از سوریه از طریق شبکه‌های اسلامی و شورشیان در قفقاز شمالی و مداخله روسیه یک رابطه وجود دارد. این مسئله یکی از نگرانی‌های اصلی کرملین است. بررسی پیشینه پژوهش نشانگر این است که به رغم اینکه داده‌های مفیدی در خصوص دلایل مداخله روسیه در بحران سوریه مطرح ساخته‌اند، اما سازوکارها و اهرم‌های ملموس مدیریت بحران در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، لجستیکی، نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و رسانه‌ای مد نظر قرار نگرفته است و عمدتاً به اطلاعات مرسوم پیرامون دلایل ورود روسیه به بحران اکتفا شده است. منابع بررسی شده نشان داد که مشخصاً در خصوص الگوی روسی مدیریت بحران سوریه کار پژوهشی مجزایی در منابع داخلی و خارجی انجام نشده است. از نقاط تمایز مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌ها می‌توان به عینیت‌سازی و عمق‌کاوی لایه‌های زیرین نقش‌آفرینی روسیه در بحران سوریه در تمامی حوزه‌های موضوعی اشاره داشت. از این منظر مقاله حاضر با اینکه در حجم کوتاهی نوشته شده است اما حائز یک جامعیت موضوعی و محتوایی است. مبانی نظری پژوهش نیز از دیگر موارد تمایز است. مکعب بحران قابلیت‌های ویژه‌ای جهت بررسی ریشه‌ای بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد؛ این مقاله قادر است که باب جدیدی در راستایی چگونگی مطالعه بحران‌ها و دلایل ورود کشورهای مختلف به آن باز کند.

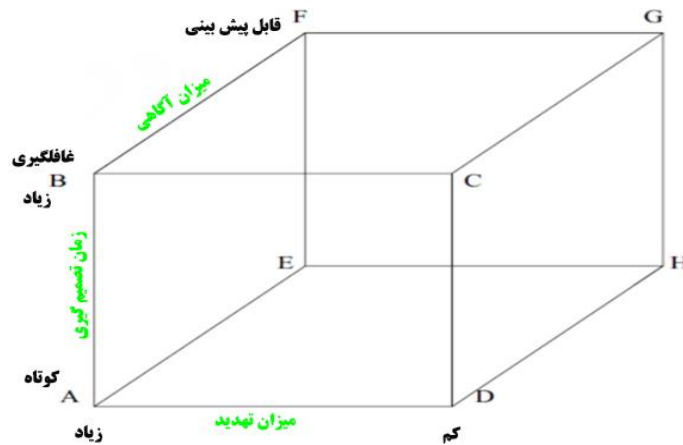
^۱-Roy Allison

^۲-Russia And Syria: Explaining Alignment With A Regime In Crisis

مکعب مدیریت بحران

خاستگاه واژه بحران در زبان‌های غربی به ریشه یونانی «Krisis» بازمی‌گردد که هم زمان دو مفهوم «Crisis» و «Critique» را در برمی‌گیرد. در پاره‌ای از منابع، ریشه این واژه به کلمه یونانی «Krinein» به معنای پی بردن، الک کردن، غربال کردن وزیر و رو کردن ارجاع داده شده است. واژه بحران همچنین در زبان عربی معادل «الازمه» است؛ این واژه از کلمه «ازم» به معنی «سرهم نهادن، گزیدن و به دندان گرفتن» و در اصطلاح نیز به معنی شدت و سختی است. به عنوان نمونه «ازم العام» یعنی بحران یا قحطی سال شدت گرفت و سخت شد (Jer, 1997, P.142). بحران وضعی اضطراری است که در آن، تشویش و نگرانی عوامل تصمیم‌گیرنده افزایش می‌یابد، در شرایط بحرانی معمولاً آگاهی مورد نیاز تصمیم‌گیرندگان ناقص و ناکافی است، عامل زمان علیه عوامل درگیر عمل می‌کند، به علاوه اصطکاک بین عوامل افزایش می‌یابد، به خصوص در بحران‌های سیاسی که دولت‌ها درگیر آن هستند (Kazemi, 1989, P.28). از سوی دیگر مدیریت بحران ناظر بر تصمیمات یا اقدامات اتخاذشده توسط تصمیم‌سازان به منظور کنش یا واکنش در بحران است. بحران‌های ویرانگری که معمولاً حیات وجودی سازمان یا جامعه و ارزش‌های آن‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهد، ظرفیت زیادی برای درگیر ساختن کشورها دارند. به تعبیری کشورها بر حسب امکانات، محدودیت‌ها و مقدرات خود، طیفی از اقدامات را در پیش می‌گیرند که وضعیتی میان انفعال تا مداخله یا کنشگری را شامل می‌شود. شکست در مدیریت بحران‌ها به اندازه‌ای مهم و مهلک است که خطر فروپاشی سازمان‌ها، کشورها و خسران‌های اقتصادی و اجتماعی غیرقابل کتمان را در پی دارد (Dayton, 2009, P.2). از این منظر مدیریت بحران مجموعه اقدامات مشترک کنشگران با هدف جلوگیری از تأثیرات ناگوار در بحران و خنثی کردن اثرات مخرب و غیرقابل برگشت آن است. به‌طور کلی می‌توان مدیریت بحران را علم و هنر برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی، تأمل در خصوص فنون و طرق مختلف مدیریت تحولات و حوادث داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، جهت‌دهی، سامان‌دهی و سازمان‌دهی حوادث تهدید زاء، هدایت و راهبری بحران در جهت تأمین منافع خود به صورت جامع، هماهنگ، عاملانه، هوشمندانه و پیشگامانه دانست. مدیریت بحران نیازمند طی مراحل شناخت کارشناسانه و تعریف دقیق موضوع از طریق اطلاعات در دسترس و سایر مسائل مربوط به بحران (چیستی، چرایی، چگونگی، کیستی و منابع)، درک آسیب‌پذیری و تهدید، تحلیل خطر، ترسیم و تدوین گزینه‌های راهبردی ممکن

جهت مهار بحران، سنجش بازخوردهای^۱ مثبت و منفی هر راهبرد و کاهش گزینه‌های گوناگون به یک گزینه و انتخاب راهبرد برتر و در نتیجه پاسخ‌گویی به بحران است (Nasrollahi, 2010, P.47). یکی از مدل‌های نظری که در کسب معرفت و شناخت الگوی مدیریتی کشورها در بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مفید فایده است، مدل مکعب بحران چارلز هرمان به شمار می‌رود. در این مدل معمولاً به صورت هم‌زمان سه ویژگی تهدید، آگاهی و زمان ملحوظ نظر قرار می‌گیرند (Herman, 1969, P.55). به دلیل اینکه وضعیت‌های بحران به تناسب شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی با هم متفاوت‌اند هر یک از سه عامل اصلی تعیین‌کننده بحران را ممکن است در حد غایی شدت و اهمیت آن‌ها در یکی از ابعاد سه‌گانه مکعبی که اصطلاحاً «مکعب بحران» نامیده می‌شود، تجسم کرد. این نمودار سه بعدی که اضلاع آن روی زوایای قائمه یک مکعب قرار می‌گیرد در مجموع برآیند درجه خطر را مشخص می‌کند (Alizadeh, 2015, P.93). نمودار ذیل نشانگر مکعب بحران چارلز هرمان است.



نمودار ۱: مکعب بحران

(Herman, 1969, P.417)

در خصوص مقوله تهدید از دو متغیر کم و زیاد استفاده می‌شود. به این معنا که آیا تهدید کم است یا زیاد؛ به عبارت دیگر هر چه ارزش مورد تهدید اساسی‌تر بوده و تهدید متوجه آن شدیدتر باشد، احتمال بحران تلقی کردن یک حادثه نیز بیشتر خواهد بود. در مکعب بحران، آگاهی به موضوع نیز نقش بسزایی در

^۱-Feedback

تخمین برآورد خطر دارد. در این حوزه از دو مفهوم «قابل پیش‌بینی» یا «غافلگیری» استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که غافلگیری شکافی بین زمانی است که بازیگر انتظار دارد حادثه‌ای رخ دهد و زمانی که آن حادثه واقعاً رخ خواهد داد یا به تعبیر دیگر وقوع تهدید به هنگامی که ما انتظارش را نداریم (Hosseini, 2006, P.26). در مواقعی روندها و رویدادهای ممکن و محتمل به نحوی است که متولیان امر قادر به تخمین و پیش‌بینی آن هستند، طبیعتاً در چنین شرایطی با علم و اشراف بر بازه زمانی و حدود و ثغور آن می‌توان به منظور کنترل هر وضعیت احتمالی سناریونویسی و برنامه‌نویسی کرد. منتها اوضاع زمانی بحرانی می‌شود که روندها و رویدادها با عدم قطعیت همراه باشند و نوع و زمان وقوع حوادث را نتوان به صورت دقیق پیش‌بینی نمود. به‌طور کلی منظور از اینکه در برابر تهدید غافلگیر شده‌ایم این است که تهدید توسط بازیگری غیر از آنکه ما انتظارش را داشتیم، به اجرا درآمده است، یا اینکه ممکن است آماجی غیر از آنچه پیش‌بینی می‌کردیم مورد تهدید واقع شده باشد، همچنین ممکن است تهدید با ابعادی غیر از آنچه احتمال می‌دادیم بروز یافته باشد. به‌طور کلی می‌توان موضوعات مطرح در مؤلفه غافلگیری را این‌گونه بیان کرد که کدام بازیگری (با چه عنصری)، همراه با کدام متحد (عناصر هم‌افزایی)، کی، کجا تا چه مدتی، کدامین ارزش ما را با چه شیوه، ابزاری، با چه شدت و ابعادی تهدید می‌کند؟ (Hosseini, 2006, P.35). در مکعب بحران چارلز هرمان مسئله زمان از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. مقصود از زمان محدودیت و کمبود زمان جهت تصمیم‌گیری و مقابله با وضعیت تهدیدکننده است. لازم به ذکر است که به هر میزان که زمان جهت تصمیم‌گیری و متعاقب آن اقدام بیشتر باشد، سطح بحرانی بودن موضوع نیز به مراتب کمتر خواهد بود. منتها چنانچه موضوع بحرانی باشد، فشار زمانی پدیدار می‌گردد. فشار زمانی ناظر بر یک امر ذهنی و ادراکی است و برآیند دو عامل زمان لازم و مکفی جهت واکنش و دوم زمان موجود جهت تصمیم‌گیری است. زمان موسع شدت و حدت بحران را کاهش خواهد داد و بالعکس به هر مقداری که کنشگران در تنگنای زمانی قرار گیرند مقیاس بحران و میزان قدرت تخریبی آن مهلک‌تر و وسیع‌تر خواهد بود. در مجموع از درهم کنش وضعیت‌های سه‌گانه فوق‌الذکر هشت بحران ذیل قابل احصاء و تشریح است.

در خصوص مکعب بحران باید دو نکته مهم را مد نظر قرار داد، یکی اینکه چنانچه بحران‌های اداری و عادی و بحران‌های قرار گرفته در پایین‌ترین لایه‌ها کنترل نشوند و مشکلات موجود در حوزه‌های در معرض آسیب‌پذیری مرتفع نشوند به تدریج بحران ماهیت پیچیده‌تر و وخیم‌تر به خود خواهد گردید و نهایتاً به سمت بالاترین سطح مکعب بحران چارلز هرمان یعنی سطح «A» یا بحران‌های شدید سوق پیدا

می‌کند. دوم اینکه مکعب بحران هم در خصوص بحران‌های داخلی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و زیست‌محیطی قابلیت کاربست دارد و همچنین می‌توان رخداد‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در قالب آن تشریح و تبیین نمود؛ چرا که هم در تحولات داخلی کشورها و هم در مقیاس بین‌المللی برخی ارزش‌های حیاتی و منافع کنشگران مورد تهدید قرار می‌گیرد و این بحران‌ها سطوح مختلفی را در بر می‌گیرند.

جدول (۱): هشت وضعیت احتمالی در الگوی مکعب بحران

ردیف	نوع بحران	سطح بحران	تهدید	زمان اقدام	آگاهی
۱	وضعیت بحرانی ^۱ شدید (وضعیت کاملاً بحرانی)	A	شدید	کم	غافلگیری
۲	بحران نوظهور ^۲ (جدید و مبتنی بر نوآوری)	B	شدید	زیاد	غافلگیری
۳	بحران کند ^۳ (بطئی)	C	خفیف	زیاد	غافلگیری
۴	بحران مبتنی بر وضعیت ^۴ (ویژه، موردی و تصادفی)	D	خفیف	کم	غافلگیری
۵	بحران انعکاسی ^۵ (عکس‌العملی یا واکنشی)	E	شدید	کم	قابل پیش‌بینی
۶	بحران برنامه‌ای ^۶ (برنامه‌ریزی شده، عهدی، مشورتی)	F	شدید	زیاد	قابل پیش‌بینی
۷	بحران عادی ^۷ (دچار روزمرگی، مرسوم، روال‌مند)	G	خفیف	زیاد	قابل پیش‌بینی
۸	بحران اداری ^۸	H	خفیف	کم	قابل پیش‌بینی

(Hermann, 1969, P.415)

بازیگران معمولاً برحسب نوع بحران از حیث شدت تهدید، میزان زمان در اختیار و همچنین آگاهی یا غافلگیری در برابر عناصر تهدیدکننده از یک سو و میزان توانایی‌های بالقوه و بالفعل خود و اهمیت گستره جغرافیایی که بحران در آن رخ داده، راهکارهای متفاوت و متنوعی را به منظور مهار و مدیریت آن اتخاذ می‌کنند. در اینجا منظور از فنون مدیریت بحران مکانیسم‌هایی است که بازیگران جهت مهار و کنترل

¹ -Crisis Situation

² -Innovation Crisis

³ -Inertial Crisis

⁴ -Circumstantial Crisis

⁵ -Reflexive Crisis

⁶ -Deliberative Crisis

⁷ -Routinized Crisis

⁸ -Administrative Crisis

تحولات ناخوشایند با هدف نیل به مقاصد و منافع حیاتی خود به کار می‌برند. مهار بحران موضوع گیری انفعالی نیست؛ بلکه نوعی مهندسی و جهت‌دهی به روند تحولات در راستای منافع کنشگران است. در خصوص مدیریت بحران نیز باید توجه داشت که کنشگران با قابلیت نظامی و اقتصادی مناسب هنگامی که ارزش‌های حیاتی آنها توسط رقبا و دشمنان در معرض تهدید قرار گرفته باشد و لذا تهدید کننده نیز اقدام به تهاجم حداکثری و با تمام قوا کرده باشد، بازیگر تهدید شده نیز غالباً اقدام به بسیج حداکثری امکانات، توانایی‌ها و نیروهای ایش می‌کند. از این منظر مدیریت بحران پیوند معنادار و تنگاتنگی با میزان تهدید روئیت شده علیه ارزش‌های حیاتی و در وهله دوم سطح قدرت کنشگری که ارزش‌های آن مورد تهدید واقع شده و در وهله سوم میزان قدرت بازیگر مهاجم یا عناصر تهدید کننده دارد. لذا کنشگرانی که قابلیت‌های ضعیفی به لحاظ نظامی و اقدامات آفندی و پدافندی دارند و از سوی دیگر اقتصاد قوام یافته و توسعه یافته‌ای نیز ندارند، معمولاً در مواجهه با تهدیدها و بحران‌های با منشأ بیرونی (خارج ساخته) و بحران‌های داخلی، مستعد آسیب‌پذیری هستند. این کنشگران در مقابل تکانه‌های ناشی از بحران، در میان مدت و بلندمدت توان تاب‌آوری ندارند و احتمال آن وجود دارد تسلیم عناصر تهدید کننده خارجی شوند یا اینکه توان حل بحران‌های داخلی را نداشته و اساساً الگوی مدیریتی این قبیل سیستم‌های حکمرانی موفقیت‌آمیز نخواهد بود. به همین خاطر در بحران‌ها معمولاً دوگانه‌های زیادی به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه اقتصادهای ضعیف و اقتصادهای توسعه یافته هنگام رویارویی با بحران‌های منطقه‌ای نظیر بحران سوریه نتیجه‌گیری‌های متفاوتی کسب خواهند نمود؛ دلیل این مسئله مشخص است؛ بواسطه اینکه بازیگران موفق معمولاً قبل از حادث شدن وضعیت بحرانی، بر اساس روندها، رویدادها و سیگنال‌های ضعیف و آرای نخبگان و افراد صاحب تجربه، چنین مسائلی را تصویرسازی کرده‌اند و متناسب با این تصاویر برخی تجویزهای عملیاتی ارائه داده‌اند و از این‌رو برخورد این طیف با بحران‌ها مدبرانه می‌باشد، منتها عدم موفقیت برخی کنشگران در طول بحران‌ها فارغ از اینکه از یک منظر نتیجه ضعف‌های داخلی هستند، منتها کشورهای توسعه یافته زیادی وجود دارند که علی‌رغم در اختیار قرار داشتن اهرم‌های قدرتمند، به دلیل اهمال کاری و سهل‌انگاری و عدم وجود برنامه ریزی سناریو محور، هنگام رویارویی با بحران‌های منطقه‌ای و حتی داخلی، موفقیت درخوری کسب نمی‌کنند و عموماً شکست می‌خورند.

روند و ماهیت بحران سوریه

متعاقب وقوع تحولات تونس در دسامبر ۲۰۱۰ بلافاصله سایر کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا با مشکلات جدی روبرو شدند. پس از وقوع تحولات مصر، بحرین و لیبی، کشور سوریه نیز با اینکه پیش‌بینی وقوع چنین بحرانی در آن نشده بود، اما به تدریج دچار بی‌ثباتی‌ای به شدت عمیق‌تر و طولانی‌تر از

دیگر کشورهای عربی گردید. عمق و گسترده بحران به نحوی بوده که تاکنون بسیاری از معادلات منطقه‌ای و جهانی را به شدت از خود متأثر ساخته است. در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ در شهر درعا^۱ (مرکز استانی به همین نام) در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب دمشق و مرز مشترک با اردن، اعتراضات داخلی سوریه با حمله گروهی به مقر حزب بعث، رادیو و تلویزیون، مرکز پلیس و کاخ دادگستری آغاز شد. با ادامه درگیری‌ها مسئولان قبلی شهر درعا برکنار شدند و استاندار جدید با ۵۰ نفر از سران قبایل و معتمدین شهر برای دیدار با بشار اسد به دمشق رفتند. بشار اسد مطالبات سران قبایل را مشروع و قابل قبول دانست. با این حال سلفی‌ها و گروه‌های تروریستی وارد عمل شدند و درگیری‌ها در درعا و چندین شهر دیگر سوریه آغاز و تشدید شد. در خصوص بحران سوریه دو طیف فکری متضاد شکل گرفته است. یک طیف نقش زیربنایی برای مسائل داخلی در بحران قائل هستند؛ این طیف تحولات سوریه را امتداد حرکت‌های مطالبه خواهانه مردم تحت ستم و فشار در کشورهای نظیر تونس، لیبی، مصر و بحرین قلمداد می‌کنند که به دلیل معضلات سیاسی، ناکارآمدی اقتصادی، فقر، بیکاری و تبعیض‌های ناروا ناگزیر از معارضه با دولت مرکزی هستند؛ در مقابل یک طیف فکری نیز وجود دارد که ضمن رد گزاره‌های نحله فکری اول بر این باورند که بحران سوریه منشاء خارجی دارد و معضلات داخلی سوریه به میزانی نبود که یک بحران فراگیر و فرسایشی را رقم بزند. درخور توجه است که قرائن میدانی (در بحبوحه بحران) و مطالعه اسناد (پیش از آغاز بحران) نشان می‌دهد که متغیر خارجی نقش پررنگ و تعیین کننده‌ای در قیاس با عوامل داخلی ایفا نموده است؛ هر چند عوامل داخلی در بدو امر نقش «بستر ساز»^۲ داشته‌اند ولی در ادامه عناصر خارجی نقش پیشران^۳ «تطول-کننده»^۳ و تداوم بخش بحران را ایفا کرده‌اند. بحران سوریه صحنه رقابت دو دسته بازیگران شده است، یک طیف که شامل آمریکا، متحدان اروپایی و کشورهای عربی منطقه می‌باشد با کمک به گروه‌های تروریستی چندملیتی درصدد مقابله با دولت مرکزی سوریه هستند، از جانب دیگر کشورهای روسیه، ایران و بازیگران فرا دولتی نظیر حزب الله لبنان به دفاع از دولت مرکزی پرداخته‌اند (Kavlick, 2015, P.5). ماحصل رقابت این دو طیف اکنون گستره میدانی سوریه را به شبکه پیچیده‌ای از تعارض منافع، راهبردها و تاکتیک‌ها و تعمیق درگیری‌ها و ناآرامی‌ها مبدل ساخته است.

^۱-Daraa

^۲-Bedder

^۳- Prolonger

دلایل مداخله فدراسیون روسیه در تحولات سوریه

قدرت‌های بزرگ بدون دلیل و برحسب تصمیم‌های آنی اقدام به مداخله در فراسوی مرزهای بین‌المللی خود نمی‌کنند؛ عنصر محوری که در جهت‌دهی کنش خارجی کشورهای نظیر روسیه نقش بنیادین ایفا می‌کند وجود برخی منافع دیرپایی است که برای خود تعریف کرده و به رقبا و دشمنان معرفی نموده‌اند. روس‌ها در دوره پوتین با توجه به اهمیتی که برای منطقه خاورمیانه قائل بودند، روند ارتباط با کشورهای عربی این منطقه را گسترش دادند و در این میان کشور سوریه از اهمیت ویژه‌ای برای آنها برخوردار است. به‌طور کلی می‌توان جایگاه سوریه در دکترین سیاست خارجی روسیه را در ذیل چند مؤلفه بررسی نمود:

سیاسی

پس از پایان جنگ سرد روسیه تمام پایگاه‌های مؤثر خود در منطقه خاورمیانه را یکی پس از دیگری از دست داد. به‌ویژه اینکه غرب در طول سال‌های پس از فروپاشی شوروی، به تدریج از طریق نظامی و یا مداخلات سیاسی، تمام نظام‌های همسو با مسکو را در کشورهای عربی برانداخته است. عراق یکی از کشورهایایی بود که منافع و مزایای منحصر به فردی سیاسی، نظامی و اقتصادی برای روسیه داشت. با حمله آمریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۳ از حوزه نفوذ روسیه خارج و به محلی برای آمریکا تبدیل گشت. لیبی یکی دیگر از کشورهای است که پس از سرنگونی معمر قذافی از حیطة اختیارات کرملین خارج شد. در هر دو صحنه عراق و لیبی بازنده اصلی روسیه بود و این مسئله درس‌ها و پیام‌های نگران‌کننده‌ای برای مسکو در برداشت. هدف روسیه بزرگ‌تر کردن جغرافیای اختلافات با آمریکا و اروپا است تا بتواند در یک ماتریس بزرگ‌تر، اهرم‌ها و امتیازهای بیشتری داشته باشد؛ از این رو، سطح قدرت و جایگاه سوریه، عراق، عربستان، ایران، ترکیه و اسرائیل تحت تأثیر ماهیت رقابتی است که در سطح جهانی و به‌صورت و دو جانبه میان روسیه و آمریکا شکل می‌گیرد. به همین دلیل مسکو جهت کسب امتیاز در مقابل آمریکا در زمینه موضوعات نظامی در اروپا، تحرکات ناتو، حضور موشک‌های آمریکایی در شرق اروپا، کریمه و اوکراین و همچنین تحریم‌های واشنگتن وارد سوریه شد تا شعاع بازی را جهانی و وسیع‌تر کرده و آمریکا را مجبور به امتیازدهی در طیف مسائل فی‌مابین در قدرت جهانی کند (Sariolghalam, 2016, P.113). از این رو است که کنشگری روسیه در تحولات روسیه دایره رقابت این کشور با مجموعه غرب را به ورای منطقه موسوم به «خارج نزدیک»^۱ گسترش دهد. در همین زمینه «جورج فریدمن»^۲ معتقد است که: «نخبگان

^۱-Near Abroad

^۲-George Friedman

روسی با چنین محیط روان‌شناختی کوشیده‌اند تا با اعمال نفوذ در منطقه خاورمیانه و در جهت‌ی مغایر با حضور آمریکا در این منطقه یک هدف مهم را دنبال نماید و آن تحدید نفوذ آمریکا هست. به بیان دیگر، همان‌گونه که واشنگتن بدون رعایت منافع روسیه وارد منطقه پیرامونی و حیاط‌خلوت آن کشور شده است و به تقویت و حمایت از رژیم‌های ضد روسی همچون گرجستان می‌پردازد، روسیه نیز تلاش دارد تا با تحکیم روابط با دولت‌هایی نظیر ایران، سوریه و دولت جدید فلسطینی به رهبری حماس و نزدیک شدن بیشتر به متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه همچون عربستان، قطر، امارات عربی متحده، اردن و مصر، به‌نوعی آمریکا را در وضعیت مذاکره‌پذیری قرار داده و نفوذ آن کشور را در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز با محدودیت و چالش جدی مواجه سازد» (Kiani, 2006, P.370). بنابراین همان‌طوری که مجموعه غرب با فدراسیون روسیه در بحران اوکراین (۲۰۱۳) در حیاط‌خلوت این کشور - به مثابه حوزه استحفاظی - درگیر هستند روس‌ها نیز باز کردن و مواجهه در یک جبهه جدید با غرب را سیاست مطلوبی می‌دانند.

تگرانی‌های امنیتی

منطقه خاورمیانه آسیای مرکزی و قفقاز با همدیگر هم‌جواری دارند و بین ساکنان دو گستره اشتراکات زبانی و مذهبی زیادی برقرار است؛ بنابراین با وقوع تحولات در هر کدام از این مناطق، احتمال اینکه به منطقه هم‌جوار نیز تسری یابد، محتمل است؛ بنابراین روس‌ها بر این نکته واقف هستند که سقوط دمشق راه گسترش اندیشه‌های سلفی و تکفیری به سوی آسیای میانه را بیش از پیش تقویت می‌کند. قاعدتاً مقامات کرملین با حساسیت بالایی درصدد کنترل و متوقف کردن هرگونه تحرکی از سوی هر گروهی جهت جلوگیری از سرایت آتش فتنه به انبار باروت مشتعل نزدیک خود هستند (Malashenko, 2013, P.2). داعش بسیاری از نیروها را از کشورهای واقع در آسیای مرکزی و قفقاز، به‌ویژه از دو جمهوری خودمختار چچن و داغستان جذب خود کرده‌اند و این مسئله خطر ایجاد جنگ فرقه‌ای اسلام‌گرایان افراطی و تسری آن به دیگر مناطق از جمله اوراسیا را افزایش می‌دهند. تحقق این امر احتمالاً در آینده منجر به افزایش مهاجرین از منطقه غرب آسیا و کارزار سوریه به اطراف مرزهای روسیه خواهد شد که به تبع افزایش حملات تروریستی را شاهد خواهیم بود (Trenin, 2013, P.12). از مهم‌ترین گروهک‌های تروریستی چچنی حاضر در بحران سوریه می‌توان به جیش المهاجرین و الانصار، شاخه ابو عمر چچنی و شاخه صلاح الدین چچنی، جیش الخلافة الاسلامیه تحت رهبری سیف‌الله چچنی ملقب به ابوسیف و گردان‌های جنودالشام تحت رهبری ابومسلم چچنی ملقب به ابولید اشاره داشت (Roggio, 2013, P.2). این نیروها از تجربه و توانمندی بسیار بالایی در زمینه جنگ روانی، نبردهای میدانی و جنگ الکترونیکی برخوردار هستند و تعداد آن‌ها نزدیک به سه هزار نفر برآورد شده است. بازگشت این عناصر می‌تواند بحران امنیتی

تازه‌ای برای کرملین ایجاد نماید. از این نظرگاه دور کردن بحران از محیط امنیتی روسیه اهمیت حیاتی دارد. در همین رابطه ایال زیسر: «فدراسیون مسکو، سوریه را به عنوان خط مقدم دفاع نگاه می‌کند. سیاستمداران روس نگران هستند که سقوط حکومت اسد باعث گسترش اسلام افراطی در میان جمعیت مسلمان این کشور به‌ویژه قفقاز شمالی شود و مسیر هموارتری جهت رسیدن داعش به مرزهایش مهیا می‌شود» (Zisser, 2015, P.42). بنابراین پنداره نگران‌کننده روس‌ها در خصوص «سوریه‌سازی»^۱ مناطق تحت نفوذ در سرزمین‌های جنوبی، آنها را متقاعد ساخت که چنانچه در سوریه حضور پیدا نکنند و در مقابل تروریست‌ها به پیکار نپردازند، در آینده باید ضمن متحمل شدن هزینه‌ها و تلفات فراوان در مناطق نزدیک و مرزهای خود با تکفیری‌ها مواجه شوند.

چشمداشت‌های استراتژیک

چه در قرن‌های پیشین و چه اکنون پایگاه‌های دریایی نقش حیاتی در موازنه‌بخشی در مقابل دشمنان ایفا کرده‌اند. مسئله استقرار ناوگان دریایی فدراسیون روسیه در بندر طرطوس اهمیت سوریه را برای این کشور مضاعف ساخته است. این بندر مهم‌ترین نماد اتحاد راهبردی روسیه با سوریه و گواهی آشکار از این واقعیت است که سوریه در قلمرو ژئوپلیتیک روسیه قرار دارد (Takhshid & Shoja, 2017, P.313). پایگاه طرطوس بر اساس موافقت‌نامه ۱۹۷۱ میان اتحاد شوروی و سوریه به نیروی دریایی شوروی جهت آموزش نیروهای خود واگذار شد. بر اساس این موافقت‌نامه جنگنده‌ها، زیردریایی‌ها و کشتی‌های تجاری شوروی اجازه بهره‌برداری از تجهیزات بندر طرطوس را کسب کردند. نیروی دریایی روسیه به سوریه به عنوان یک پایگاه حیاتی در جهت اجرای عملیات خود در دریای مدیترانه و احاطه بر منطقه می‌نگرد؛ چرا که پایگاه دریایی طرطوس به‌طور قابل توجهی می‌تواند ظرفیت‌های عملی روسیه را ارتقاء بخشد و کشتی‌های مستقر در آن نیز قابلیت دسترسی به دریای سرخ و اقیانوس هند را از طریق کانل سوئز و دسترسی به آتلانتیک را به واسطه جبل الطارق^۲ ظرف چند روز دارا است (Harmer, 2012). نقش زیر گویای اهمیت بندر طرطوس است.

بندر طرطوس همچنین امکان عملیات‌های مختلف برای ناوگان دریای روسیه در دریای مدیترانه فراهم را می‌آورد (Trenin, 2012, P.2). خصوصاً اینکه چنانچه یک خط فرضی از بندر طرطوس واقع در غرب سوریه، به صورت مستقیم به دیگر ناوگان دریایی روسیه در بندر سواستوپل واقع در دریای سیاه و جنوب

^۱-Syrianization

^۲-Gibraltar

اوکراین ترسیم شود و همچنین اگر یک هلال مصنوعی بین دریای سیاه و دریای مدیترانه ترسیم نمایم به اهمیت این بندر به مثابه «هلال موازنه گر» در برابر غرب پی خواهیم برد. این هلال قدرت زیادی به عملیات های دریایی روسیه در مدیترانه و دریای سیاه بخشیده است. از این منظرگاه هنگامی که از اهمیت سوریه برای مسکو صحبت به میان می آید، آنها حفظ و گسترش پایگاه دریایی در بندر طروس و پایگاه هوایی حمیمیم را برای خود تضمین شده می دانند که نه تنها حضور خود در این کشور بلکه ظرفیت آنها را در کل شرق مدیترانه تقویت می کند (Janine, 2018, P.2).



نقشه (۱): هلال موازنه گر بندر تا بندر (سوآستوپل - طرطوس)

از این رو حفظ تنها پایگاه نظامی دریایی روسیه در سواحل غربی سوریه اهمیت راهبردی دارد. به نظر می رسد روس ها کماکان وصیت نامه پتر کبیر را به خاطر دارند و دسترسی به آب های آزاد از خطوط قرمز کرملین در راستای منافع استراتژیک آنها به شمار می آید. با بروز جنگ در سوریه کشور روسیه در جهت تحقق اهداف سیاسی خود از این پایگاه بهره برداری فراوانی می کند و آن را به پایگاهی جهت تحویل سلاح به دولت اسد تبدیل کرده است.

منافع اقتصادی

یکی از اهداف روسیه از حضور در خاورمیانه، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه است و در این راستا فروش تسلیحات نظامی و تشکیل بلوک انرژی از جمله مهم‌ترین منافع اقتصادی روسیه در خاورمیانه است که از دیرباز این اهداف را به صورت مداوم پیگیری کرده است. دمشق بزرگ‌ترین بازار صادرات تجهیزات نظامی روسیه می‌باشد و مسکو نیز بابت از دست دادن چنین منبع درآمدزایی نگرانی زیادی دارد (Xing, 2012, P.15). نکته حائز اهمیت دیگر اینکه به زعم راهبران مسکو، سقوط سوریه باعث خواهد شد تا در درازمدت گاز قطر از طریق این کشور راهی اروپا شده و این امر می‌تواند خطری بزرگ برای امنیت ملی و اقتصادی روسیه باشد؛ زیرا بخش مهمی از درآمد روسیه که تا ۷۰ درصد تخمین زده شده است از مسیر انتقال گاز این کشور به اروپا تأمین شده و قدرت چانه‌زنی مسکو با اروپا در معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

فدراسیون روسیه و مدیریت تحولات سوریه

با توجه به دلایل اهمیت سوریه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی و وقوع بحران در کشوری که حدود ۲۴۷۵ کیلومتر با مرزهای روسیه فاصله دارد این سؤال مطرح می‌شود که بر اساس شاخص‌های شدت تهدید، میزان زمان و مقدار آگاهی در اختیار، تحولات این کشور ذیل کدام‌یک از بحران‌های مکعب چارلز هرمان قرار می‌گیرد. شواهد و قرائن نشانگر این است که در بحران سوریه به دلیل اینکه وقت کافی در اختیار تصمیم‌گیرندگان کاخ بزرگ کرملین^۱ قرار دارد و می‌توانند به اقدامات بوروکراتیک و مشورتی دست بزنند و از جانبی به دلیل اینکه تهدید خفیف بوده و زمان هم برای تصمیم‌گیری بلند است، این موضوع طی اقدامات بوروکراتیک رد و بدل شده و طرح‌های زیادی با هدف انتخاب بهترین راهبرد گزینش می‌شوند، منتها به دلیل عدم وجود اطلاعات دقیق و کافی در خصوص طرح‌های و گزینه‌های راهبردی سایر رقبای زمان، مکان و نوع اقدامات آن‌ها، میزانی از عدم قطعیت و در نتیجه غافلگیری وجود دارد. اگر چه عده‌ای بر این اعتقادند که مشکلات ساختاری اقتصاد روسیه، سرانجام این کشور را مجبور می‌کند به کشور خود بازگردند و ادامه فعالیت در سوریه را غیرمنطقی قلمداد کنند (Kurtzer et al., 2018, P.20). اما باید بیان داشت که این کشور حاضر به تکرار مجدد سناریوی لیبی و

^۱- Grand Kremlin Palace

سقوط متحد خود در شمال آفریقا توسط رقبای غربی نیست. به طور کلی روسیه به چهار طریق زیر اقدام به مدیریت بحران سوریه کرده است.

سیاسی - دیپلماتیک

مهم ترین ابزار مدیریت مسالمت آمیز بحران‌ها بهره‌گیری حداکثری از حوزه‌ها و ظرفیت‌های سیاسی دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه است. روسیه جهت مدیریت تحولات سوریه برخلاف کشورهای غربی (که از موقعیت پیش آمده برای مداخله در امور داخلی این کشور عربی سوء استفاده می‌کنند) با درک واقعیات نظام سیاسی منطقه و به منظور حل مسئله و برقراری صلح و ثبات و بازگشت اوضاع به حالت سابق از راه‌های دیپلماتیک و گفت‌وگو تلاش زیادی کرد. روسیه معتقد است که کشورهای غربی بر ضد سوریه توطئه کرده‌اند و سعی می‌کنند با دستاویز قرار دادن برخی قوانین بین‌المللی مثل مسئله حقوق بشر دولت بشار اسد را سرنگون نمایند و فرد مورد نظر خود را در رأس قدرت قرار دهند (Pasandideh, 2012, P.1). در این مدت وزیر امور خارجه این کشور به‌طور منظم به کشورهای مختلف سفر و تلاش کرد مقدمات آغاز گفت‌وگوهای فراگیر ملی را فراهم سازد. روس‌ها از این طریق هرگونه مداخله نظامی، تلاش‌های مخرب جهت ایجاد نفاق و تفرقه مذهبی، حمایت از تروریسم، افراط‌گری و خشونت را محکوم می‌نمایند. روسیه به عنوان مهم‌ترین حامی بین‌المللی اسد تلاش داشته تا از پتانسیل‌های دیپلماتیک موجود برای پایان دادن به ناآرامی‌ها در سوریه و ارائه راه‌حل‌های سیاسی برای حل اختلافات موجود میان دولت و مخالفان بهره‌جوید (Karami, 2012, p.2). از زمره مهم‌ترین مصادیق این شیوه مدیریت بحران چنین است:

وتوی قطعنامه‌های ضدسوری در شورای امنیت و مجمع عمومی

فدراسیون روسیه تنها کنشگر فرامنطقه‌ای نقش‌آفرین در بحران سوریه نیست بلکه خود را در مقابل بازیگرانی نظیر آمریکا، فرانسه و انگلیس یافته است که در راستای تداوم نفوذ و سیطره خود اقدام به آشوب‌سازی و بحران‌آفرینی در غرب آسیا می‌کنند. روس‌ها علاوه بر نقش‌آفرینی میدانی سعی کرده‌اند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود در سازمان‌های بین‌المللی از اقدامات آشوب‌ساز رقبای جلوگیری کنند. اقدامات روسیه در سازمان ملل متحد به‌ویژه مخالفت با قطعنامه‌های ضدسوری، از اهرم‌های مهم مدیریت نرم بحران سوریه محسوب می‌شود. روسیه مخالف سرسخت دخالت غرب در امور سوریه و سرنگونی ساختن دولت اسد با استفاده از نیروهای نظامی هست؛ زیرا این موضوع را از یک سو به دولت مرکزی سوریه و از سوی دیگر به زیان منافع خود در منطقه قلمداد می‌کند. روسیه به همراه چین پیش‌نویس دو قطعنامه ضدسوری را در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱ و در تاریخ ۴ ژانویه ۲۰۱۲ (Un Draft Resolution On Syria, Guardian, January 31, 2012) را وتو کرده و آن‌ها را یک‌جانبه و غیرمتوازن دانست.

بحث‌برانگیزترین نکته در مورد قطعنامه‌های شورای امنیت پس از وقوع حملات شیمیایی در منطقه غوطه شرقی دمشق است. حملات غوطه (۲۰۱۳) یک سری از حملات شیمیایی بود که در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۳ در منطقه غوطه در استان ریف دمشق رخ داد. بسیاری از بازیگران ضد سوری از جمله فرانسه و آمریکا با به راه انداختن موج جنگ‌طلبی درصدد بودند با تصویب قطعنامه‌ای مجوز استفاده از زور و حربه نظامی علیه سوریه ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد را اخذ کنند. در این میان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که حتی بدون مجوز سازمان ملل حاضر به حمله نظامی به سوریه است. این ادعا با مخالفت شدید روسیه مواجه شد. درحالی‌که ایالات متحده آمریکا از حمایت بریتانیا و فرانسه جهت حمله به سوریه برخوردار بود، روسیه از حمایت رهبران گروه بیست (G20) بر ضد اقدام نظامی علیه سوریه استفاده کرد (Aghahosseini et al., 2014, P.182). هم‌زمان روسیه اسنادی به اعضای شورای امنیت درباره حمله شیمیایی منطقه الغوطه دمشق ارائه کرد که باعث سکوت و تغییر مواضع اولیه آن‌ها در قبال چنین حملات مرگباری گردید. مسکو بر اساس تصاویر ماهواره‌ای اسنادی را ارائه نمود که در آن‌ها پرتاب دو موشک حامل مواد شیمیایی از منطقه «دوما» در حومه دمشق که تحت سیطره مخالفان قرار داشت. به منطقه الغوطه واضح و آشکار است. مقامات کرملین بر این اعتقادند که حملات غوطه شرقی اقدامی از پیش برنامه‌ریزی شده به‌وسیله شورشیان بوده است (Kelemen, 2013) و حمایت‌ها و سناریوهای خارجی از جانب برخی کشورها جهت ایجاد دستاویزی برای تهاجم نظامی علیه سوریه، پشت سر این حملات مرگبار قرار دارد. ولادیمیر پوتین نیز بیان می‌دارد: «که امیدوارم ایالات متحده و متحدان این کشور درصدد به راه انداختن یک سناریوی نظامی در سوریه نباشند؛ که این امر بر عمق فاجعه و خشونت در این کشور می‌افزاید. من معتقدم سناریوی متهم کردن بشار اسد به استفاده از سلاح‌های ممنوعه شیمیایی اقدامی ساختگی از سوی مخالفان او جهت تحریک اعضای قدرتمند جامعه بین‌المللی خصوصاً ایالات متحده آمریکا است و ما هنوز معتقدیم که این حملات به وسیله شورشیان صورت پذیرفته است (Benammar, 2013). در واکنش ادعاهای کشورهای غربی «الکساندر لوکاشوویچ» سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه روسیه در تفسیر اخبار منتشره در مورد استفاده از سلاح شیمیایی نزدیک دمشق، این‌گونه بیان می‌دارد: «برخی کشورها درصددند تا مسئولیت چنین حملاتی را بر گردن دولت سوریه انداخته و جامعه بین‌الملل را مجبور به حمایت از مواضع مخالفان کنند. در صورتی که شواهد مؤید این است که مخالفان اقدام به ساخت موشک‌های با قابلیت حمل مواد شیمیایی و پرتاب آن از مناطق نامعلوم کرده‌اند» (Grove & Kasolowsky, 2012). فرانسه پس از موضع‌گیری روسیه، درحالی‌که از رد قطعنامه توسط مسکو ابراز

نارضایتی می‌کرد، از موضع خود عقب‌نشینی نمود. دولت آمریکا نیز با علم به اینکه مردم این کشور تمایلی به قرار گرفتن در تنگنای تعهد کاربرد زور علیه سوریه ندارند و به علاوه عدم وجود شواهد و مدارک کافی جهت اثبات مدعای خود، با دیدگاه روسیه همراهی کرد و برخلاف بحران‌های عراق و افغانستان، تلاش دیپلماتیکی زیادی، به منظور موجه جلوه دادن کاربرد زور علیه سوریه انجام نداد و نهایتاً با ابتکار مسکو و انجام رایزنی‌های دوره‌ای مقامات این کشور با ایالات متحده آمریکا، قطعنامه ۲۱۱۸ در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ صادر گردید (Lelmann, 2013, P.2) طبق قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت، دولت سوریه موظف است که تسلیحات شیمیایی خود را جهت نابودی تحویل دهد (Plofchan, 2014, P.131).

روسیه مبتکر اصلی طرح نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه بود و در حقیقت دیپلماسی روسی با پیشنهاد طرح مصادره سلاح‌های شیمیایی، رژیم سوریه را از خطر به زیر کشیده شدن احتمالی نجات داد و این مسئله در افزایش قدرت چانه‌زنی روسیه در مدیریت بحران سوریه تأثیر بسیار زیادی از خود بر جای گذاشت، از این نظرگاه تأثیر زیادی بر معادلات سیاسی سوریه در این برهه زمانی گذاشت. هیلاری کلینتون در جولای ۲۰۱۲ اظهار داشت: «تصور هزینه‌ای که روسیه باید در قبال حمایت از دولت سوریه پردازند، باور کردنی نیست. مسکو به همراه چین جلوی پیشروی آمریکا را گرفتند که این مسئله غیرقابل تحمل است. پیشروی آمریکا، به معنای تغییرات در دولت دمشق و بمباران علیه مردم سوریه است». علاوه بر شورای امنیت، مجمع عمومی نیز اقدام به تصویب تعدادی قطعنامه ضد سوری نمود. این قطعنامه‌های غیر الزام‌آور نوعی مشروعیت بخشی به مخالفان حکومت سوریه تلقی می‌شد. مجمع عمومی تاکنون اقدام به تصویب دو قطعنامه در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۳ کرده است که پیش‌نویس هر دوی آن‌ها از سوی دولت قطر به عنوان یکی از حامیان منطقه‌ای مخالف بشار اسد، تهیه شده بود (Xing, 2012, p.20). قطعنامه اول با ۱۳۳ رأی موافق و دومی نیز با ۱۰۷ رأی موافق به تصویب رسید. روسیه به این قطعنامه‌ها رأی مخالف داده و اعلام کرد که قطعنامه‌های مزبور از موضعی جانب‌دارانه از مخالفان حکومت سوریه نوشته شده است و توازن لازم را ندارند و خشونت‌های مخالفان مسلح حکومت سوریه را محکوم نمی‌کنند. در واقع هدف اصلی روسیه از رد قطعنامه‌های مزبور ممانعت از وارد شدن صدمه به دولت بشار اسد بود (Adomains, 2013). کنار ماندن روسیه از صحنه تحولات اخیر در منطقه از جمله نادیده گرفته شدن دیدگاه‌های آن در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و همچنین تکرار این مسئله در ماجرای مداخله نظامی ناتو و متحدان در لیبی باعث شده است که وزن و جایگاه این کشور در معادلات بین‌المللی به شدت کاهش یابد. همین مسئله انگیزه‌ای برای مسکو برای وتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه سوریه بود. به‌طور کلی روسیه

جهت حمایت از قطعنامه‌های شورای امنیت چهار پیش شرط اعلام نموده است: ۱) قطعنامه‌ها نباید باعث تغییر حکومت در سوریه شوند؛ ۲) نباید مجوز حمله نظامی داده شود؛ ۳) نباید مانع فروش تسلیحات به سوریه شوند؛ ۴) دولت سوریه نباید به تنهایی به عنوان عامل خشونت‌ها محکوم شود (Shokoohi, 2014).

وتوی قطعنامه‌ها و ایستادگی در برابر دیگر قدرت‌های برجسته بین‌الملل نشان داد که نقش آفرینی روسیه در سوریه بخشی از رویکردی است که دسترسی منطقه‌ای و جهانی وسیع‌تری را در اختیار این کشور قرار می‌دهد. دمیتری ترینین^۱ کارشناس روسی در این خصوص خاطر نشان می‌کند که: «روسیه نشان داده است که به عنوان یک بازیگر بزرگ مستقل ژئوپلیتیک^۲ به مرحله جهانی باز می‌گردد» (Trenin, 2019). روی هم رفته باید گفت که با اینکه قریب به ۹ سال از جنگ فرسایشی سوریه می‌گذرد اما مداخله سیاسی مسکو موجبات ابقای بشار اسد را فراهم آورد و فدراسیون روسیه را به اصلی‌ترین کارگزار فرامنطقه‌ای قدرت در سوریه تبدیل کرده است.

تحریم نشست دوستان سوریه

مخالفان دولت سوریه جهت پیدا کرده سازوکاری به منظور بسترسازی سقوط بشار اسد از اریکه قدرت اقدام به برگزاری نشست‌های سیاسی را با عنوان گروه دوستان سوریه^۳ کردند. روس‌ها به دلیل اینکه نشست‌های دوستان سوریه را برخلاف منافع خود تشخیص می‌داد آن را تحریم و محکوم نمود. روس‌ها بر این اعتقاد بودند که نشست‌های فوق توسط کنشگرانی طرح‌ریزی می‌شود که با حمایت‌های بی‌دریغ از مخالفان به روند تجزیه و موزائیکی کردن تمامیت ارضی سوریه کمک می‌کنند و بنابراین نمی‌توان و اشتباه است، چنین نشستی را کنفرانس دوستان سوریه نام نهاد، در حقیقت این گروه در ظاهر تحت عنوان دوستان سوریه فعالیت می‌کنند اما در واقع معارضینی هستند که جهت به زیر کشیدن بشار اسد فعالیت می‌نمایند. در ادامه به دو مورد از مهم‌ترین کنفرانس‌های برگزار شده در این خصوص پرداخته و موضع‌گیری روسیه نیز اشاره می‌شود:

تحریم نشست استانبول^۴

ترکیه بلافاصله پس از برگزاری کنفرانس دوستان سوریه در تونس جهت میزبانی نشست بعدی گروه موسوم به دوستان سوریه در آوریل ۲۰۱۲ به مذاکرات دیپلماتیک پرداخت و دعوت‌نامه‌ای هم برای مسکو

^۱-Dmitri Trenin

^۲-Major Independent Geopolitical Player

^۳-Friends of Syria Group

^۴-Istanbul Conference

فرستاد (Walker, 2012, P.4). روسیه گردهم آیی مخالفان بشر اسد در شهر استانبول ترکیه را تحریم کرد. لازم به ذکر است ۸۳ کشور و تعدادی از نهادهای بین‌المللی در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۱۲ جهت حمایت از اپوزیسیون‌های سوریه و اعمال فشار بر دولت سوریه در این نشست حاضر شدند. الکساندر لوکاشویچ سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در این خصوص اعلام کرد که: «نخستین نشست از این نوع بدون ما در تونس برگزار شد. این بار هم ما در این نشست شرکت نمی‌کنیم هرچند دعوتنامه‌ای در این خصوص دریافت کرده‌ایم. چنین نشست‌هایی متأسفانه جهت‌گیری سیاسی یک‌جانبه دارد. شرکت‌کنندگان در جستجوی به فکر کمک به گفتگوی بین‌سوری‌ها و توقف مناقشه نیستند، بلکه برعکس، آنان به ویژه زمینه را جهت مداخله جویی‌های خارجی مهیا می‌سازند، در صورتی که اقدام اولیه باید جلوگیری از این‌گونه مداخله‌ها و متوقف کردن دامنه خشونت‌ها باشد» (Www.Mid.Ru).

تحریم نشست رم

این کنفرانس در پنجشنبه ۲۸ فوریه ۲۰۱۳ در رم پایتخت ایتالیا برگزار شد. روس‌ها مانند جلسات گذشته از شرکت در این نشست امتناع ورزیدند. طبق پیش‌بینی روس‌ها، هدف نشست روم بر طبق بیانیه پایانی از این قرار بود که رژیم سوریه فوراً باید بمباران بی‌رویه مخالفان که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود را متوقف کرده و به علاوه عاملان چنین حملاتی باید مجازت گردند. مقامات روسیه طبق اصول مدیریت بحران خود به این اظهارات و تصمیم‌گیری‌ها واکنش نشان دادند و معتقد بودند که نشست رم که با شرکت حامیان گروه‌های مخالف برگزار گردید، می‌تواند محرکی برای شورشیان جهت سرنگون کردن بشار اسد باشد. لوکاشویچ سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در این رابطه چنین اشاره می‌کند که: «تلاش برای سرنگونی بشار اسد باعث گسترش درد و رنج در میان غیرنظامیان سوریه می‌شود. تصمیمات گرفته شده در کنفرانس رم و بیانیه‌هایی که در آنجا قرائت شدند به لحاظ متنی و محتوایی افراط‌گرایان را ترغیب و تشویق می‌کند که با توسل به زور قدرت را به دست بگیرند» (Gutterman, 2013).

برگزاری نشست‌های مسکو

روسیه رایزنی‌های گسترده‌ای جهت برگزاری نشستی در مسکو، بین جناح‌های مخالف و موافق سوریه انجام داد. نشست فوق از ۲۶ تا ۲۹ ماه ژانویه ۲۰۱۵ در مسکو برگزار گردید. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه با اشاره به گردهمایی مسکو که گروه‌های مخالف سوریه و نیز هیئتی بلندپایه از دولت دمشق در آن شرکت خواهند کرد، بیان می‌دارد که: «ما امیدواریم که این گردهمایی بتواند نقشی سازنده در بحران سوریه داشته باشد. گردهمایی مسکو جهت فراهم ساختن زمینه گفت‌وگوی فراگیر میان تمامی گروه‌های درگیر در سوریه است و همه گروه‌های شرکت‌کننده در آن بر ضرورت تحقق صلح و مبارزه با

تروریسم در سوریه متفق هستند. آنچه که در مسکو آغاز شده مذاکرات یا گفت‌وگوی فراگیر نیست، تنها یک گردهمایی است که در آن شرکت کنندگان بدون هیچ پیش‌شرطی حاضر شده‌اند و به گفت‌وگو با یکدیگر می‌پردازند. ما امیدواریم که این گردهمایی در آینده‌ای نزدیک به مذاکرات جدی میان دو طرف تحت نظارت سازمان ملل بیانجامد و از طرف دیگر جامعه بین‌المللی نیز وحدت و تلاش لازم به منظور حل بحران سوریه و مبارزه علیه تروریسم به دست آورد» (Baczynska, 2015). از طرفی ائتلاف ملی مخالفان و دولت اسد آمادگی خود را برای شرکت در این نشست اعلام کردند. روسیه در تلاش بود نشست بدون مداخله بیگانگان و یک مذاکرات صرفاً سوری - سوری باشد. نکته مهم در این خصوص اینکه روسیه موفق به کشاندن دو طرف اختلاف بر سر میز مذاکره شد و آنها را رودروی همدیگر قرار داد. هدف روسیه از این نشست فراهم ساختن زمینه بحث برای تمام طرف‌های شرکت کننده در کنفرانس و متفق القول ساختن جملگی آنان بر روی ضرورت برقراری صلح و مبارزه با تروریسم در سوریه بود. این اقدام روسیه در جهت این باور آنها بود که نشست مذکور بین دولت و مخالفان می‌تواند به صلح در سوریه کمک نماید (Foxnews, 2015). نکته حائز اهمیت این مسئله گفت‌وگوی دو جانبه سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه با احمد جربا^۱ رئیس ائتلاف مخالفان سوریه و تلاش جهت متقاعد کردن وی به منظور در پیش گرفتن رویه مسالمت آمیز و احتراز از بکار بردن زور جهت نیل به مقاصد معترضان بود. وی در این ملاقات به احمد جربا یادآور شد که: «من متوجه هستم که شما در وهله نخست نگران سرنوشت کشور خود هستید. ما نیز سرنوشت ملت سوریه را در نظر داریم و امیدواریم که کنفرانس های بین‌المللی بتواند به حل و فصل مشکلات کنونی در سوریه یاری رساند» (Farsnews, 2015).

نظام ائتلاف‌سازی

کشورها در نظام آنارشیک بین‌المللی دشمنان و دوستان دائمی نداشته، بلکه تنها منافع دائمی دارند. بدین ترتیب، اتحادها و ائتلاف‌ها از مجموعه‌ای از منافع ملی کشورها نشأت می‌گیرد. این منافع ممکن است مکمل، موازی و یا مشترک بین کشورها باشند، اما دستیابی به آنان نیازمند هماهنگی میان آنهاست. از این رو دو یا چند کشور از طریق اتحاد و ائتلاف، تعهداتی را در قبال یکدیگر می‌پذیرند. این دولت‌ها احساس می‌کنند که بدون قبول برخی تعهدات قادر به مقابله با تهدیدات خارجی یا دفاع از منافع ملی خود نخواهند بود. دولت‌ها به ویژه در وضعیت منازعه و جنگ به منظور کسب منافع بیشتر، آسیب‌پذیری کمتر

^۱-Ahmad Jarba

و کاهش هزینه‌های نظامی به ائتلاف‌ها می‌پیوندند. پیش‌فرض این روش مدیریت بحران این است که قدرت‌های بزرگ به منظور جلوگیری از تحمیل هزینه‌های هنگفت رفتار تهاجمی یک جانبه‌گرایانه، درصدد ایجاد ائتلاف از میان بازیگرانی هستند که ذی‌نفع در بحران‌اند. ائتلاف‌گرایی مبتنی بر جلوه‌هایی از توازن سیاسی و توازن نظامی - استراتژیک است (Mirfakhraee & Golestan, 2016, P. 115). روسیه با علم به این مسئله که در بحران‌های منطقه‌ای در گسترده‌ای به اهمیت خاورمیانه که جبهه‌های چندگانه در برابر همدیگر قرار می‌گیرند و اینکه به صورت منفردانه قادر به کسب حداکثری منافع و اهداف خود نیست، لذا سعی بر آن داشته تا نظامی از ائتلاف‌های همسو به خود را در بحران سوریه شکل ببخشد. ایران و چین مؤثرترین کنشگران همسو و همراستا با منافع روسیه هستند.

جمهوری اسلامی ایران

جنگ سوریه منجر به اقتران نسبی، همگرایی و همسویی رفتار ایران و روسیه برای تأمین منافع و الگوی امنیت منطقه‌ای مشترک و مطلوب آنها گردید (Cafiero, 2019 Behravesh &). درخور توجه است که هم‌جبهتی دو کشور در مورد مسئله سوریه به واسطه ارزیابی واقع‌گرایانه آنها پس از آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۱ شکل گرفت. دو کشور رسوخ بی‌ثباتی از دیگر کشورهای عربی به سوریه را پدیده‌ای الهام گرفته از ایالات متحده می‌دانستند که ثبات داخلی و موقعیت ژئوپلیتیکی آنها در خاورمیانه را با تهدید بالقوه‌ای مواجه می‌کرد. به علاوه از این مسئله نگرانی داشتند که سقوط بشار اسد می‌تواند به تقویت جایگاه ایالات متحده در منطقه و دامن‌گستری جنبش‌های تندرو سنی منجر شود. ایران برای ساختن نظم چند قطبی، چه در سطح منطقه‌ای (خاورمیانه) و چه در سطح جهانی، شریک مهمی برای روسیه است (Rodkiewicz, 2020, P.2). به زعم مقامات سیاسی - امنیتی روسیه جمهوری اسلامی ایران مناسب‌ترین کشور جهت ائتلاف‌سازی علیه گروهک‌های تروریستی و مقابله با راهبردها و تاکتیک‌های آمریکا، فرانسه و انگلیس است. ایران علاوه بر یگان‌های خود، از طیف گسترده‌ای از نیروهای نیابتی بهره می‌گیرد که این مسئله قابلیت زیادی به این کشور جهت مقابله با عناصر تهدیدزا می‌دهد. از این نظرگاه سیاست ایران و روسیه در طی بحران سوریه حفظ وضع موجود از رهگذر حفظ نظام بشار اسد در قدرت است (Kurtzer, 2018, P.9). باید اشاره داشت که قدرت‌یابی محور مقاومت اسلامی در سوریه در قیاس با گروه‌های تروریستی نگرانی کمتری برای روسیه در پی دارد؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران به عنوان محوریت جبهه مقاومت مناسبات مطلوبی با روسیه دارد. آنا بوروشچوسکایا کارشناس مسائل روسیه و خاورمیانه در «موسسه واشنگتن» معتقد است که: «در تاریخ چند صدساله روابط دو کشور، تهران و مسکو هرگز تا این حد همکاری نزدیک با یکدیگر نداشته‌اند. این از بخت بد آمریکاست که مسکو و تهران دریافته‌اند که

منافع آن‌ها در خاورمیانه از جمله در مخالفت با منافع آمریکا تا چه حد اشتراک دارد. افزایش تهدیدهای تروریستی، منافع اقتصادی، وجود بی‌ثباتی در افغانستان و همچنین امکان همکاری در آسیای مرکزی از جمله انگیزه‌های دو کشور برای تعمیق همکاری‌های دوجانبه به شمار می‌آیند. در این بین بحران سوریه، روابط دو کشور را به اوج رسانده است؛ زیرا مسکو حضور در سوریه را به نفع خود تعبیر می‌کند. بر این اساس به‌رغم آنکه کرملین تلاش می‌کند در روابط خود با کشورهای خاورمیانه، توازن برقرار کند، اما در حال حاضر بیشتر به مدار شیعی متمایل شده است. از این رو به نظر می‌رسد همکاری ایران و روسیه همچنان ادامه یابد. این در حالی است که حتی اگر این همکاری نزدیک چندان هم طولانی‌مدت نباشد، باز هم برای منافع آمریکا مضر است. در واقع یک اتحاد کوتاه‌مدت هم می‌تواند لطمه‌ای بلندمدت به منافع ایالات متحده وارد کند. ضمن آنکه همکاری‌ها و پیروزی‌های تاکتیکی می‌توانند موجب تقویت یک راهبرد مشترک میان تهران و مسکو شوند (Broshchevskaya, 2016, P.134). همکاری میان ایران و روسیه تا جایی اهمیت پیدا کرد که در آگوست سال ۲۰۱۶ مشخص شد که ایران به روسیه اجازه داده تا از پایگاه هوایی نوژه در همدان جهت حمله به برخی اهداف در سوریه استفاده کند، اما استقرار جنگنده‌های روس کوتاه مدت بود؛ چرا که طبق قانون اساسی، هرگونه تأسیس پایگاه‌های نظامی خارجی در قلمرو ایران ممنوع است (Islamian, 2019).

چین

الگوی مدیریت بحران‌ها توسط چین معمولاً نرم‌افزاری و غیرخشونت‌آمیز بوده و این کشور در بحران‌های حادث در خارج از محیط امنیتی این کشور تا آنجا مداخله می‌کند که خسارت اقتصادی برای این کشور در پی نداشته باشد. یکی از وجوه اصلی منافع ژئوپولیتیک چین در منطقه غرب آسیا جلوگیری از تسلط یک قدرت به ویژه آمریکا بر این منطقه راهبردی است. چینی‌ها بر این عقیده بودند که باید جلوی نقض حقوق بشر در سوریه گرفته شود و تنها راه کار آن نیز طرق مسالمت‌آمیز است و مداخله نظامی نتیجه بخش نیست (Xing, 2012, P. 34). بدین جهت به لحاظ جلوگیری از تسلط آمریکا بر سوریه وجوه اشتراکی میان روسیه و چین برقرار است و این مسئله انگیزه زیادی جهت همکاری میان آن‌ها برقرار ساخته است. از سوی دیگر به لحاظ تروریسم و افراط‌گرایی چینی‌ها نیز در معرض تهدید ناشی از تحرکات اویغورها در استان سین کیانگ هستند. تا جایی که از آغاز بحران سوریه با اعلام موجودیت داعش در سوریه، تعدادیاز اویغورها به این گروه پیوسته و با تحرکات آنها همراهی کردند. در واقع چین ضمن توجه به نفوذ تروریست‌های داعش در مناطق مرزی سین کیانگ و انجام برخی اقدامات تروریستی، همه توان خود را برای مقابله با تندروی و خشونت در سوریه به کار گرفته تا بازگشت نیروهای جذب‌شده داعش به منطقه

رخ ندهد (Ramezani, 2018, P.3). از این رو به دلیل وجود برخی منافع مشترک و تهدیدات مشترک، ائتلاف ضد تروریستی بین روسیه و چین جهت محصور کردن و از بین بردن عناصر تکفیری در سوریه شکل گرفته است.

حمایت‌های مالی و اقتصادی

در اختیار قرار داشتن قدرت نظامی و ایستادگی در برابر تکانه‌ها و بحران‌ها پیوند مستقیمی با پشتوانه اقتصادی توانمند و پویا دارد. نظامات اقتصادی که به لحاظ داخلی زیرساخت قوی ندارند و تحریم و محاصره خارجی نیز فشار مضاعفی بر آنها وارد ساخته باشد، هنگام مواجه شدن با بی‌ثباتی‌های فرسایشی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، غالباً موفق ظاهر نمی‌شوند. امتداد ناآرامی‌ها و قدرت‌گیری روز افزون تکفیری‌ها همراه با شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و فناورانه علیه سوریه، دولت بشار اسد را تحت شرایط دشواری قرار داده بود. تحت چنین شرایطی صحبت از کمک‌های مالی و اقتصادی حامیانی خارجی نظیر روسیه به میان آمد. تا جایی که بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که کمک‌های اقتصادی روسیه به دمشق یکی از موارد مهمی بوده که به ابقای بشار اسد کمک فراوانی کرده است (Lund, 2014, P.1). از سوی دیگر روسیه مخالف جدی تحریم‌های اقتصادی، تجاری و به ویژه بخش انرژی سوریه است و نه تنها به آن‌ها عمل نکرده بلکه به روابط عادی با این کشور ادامه داده است. مسکو بر این اعتقاد است که تحریم‌های غربی بدون آنکه تأثیر جدی بر روی دولت داشته باشد، تنها باعث وخیم شدن اوضاع مردم در سوریه گشته و از این حیث ضرر اصلی متوجه غیر نظامیان خواهد بود، بنابراین اقدام غربی‌ها خلاف عرف و اصول بنیادین حقوق بشر است. پس تصویب تحریم سزار یا قانون به اصطلاح حمایت از غیر نظامیان سوری علیه کشور سوریه در سال ۲۰۲۰ وزارت خارجه روسیه نسبت به آن اعتراض کرد و در راستای محکومیت آن، بیانیه ای صادر نمود. ذیل این بیانیه اشاره شده است که: «در واشنگتن از روی عمد و با حقی که به خود می‌دهند چندین سال است که به صورت یک‌جانبه تحریم‌هایی را وضع می‌کنند و امروز هم محدودیت‌های جدیدی به آن اضافه کرده‌اند. در بسیاری موارد منجر به کاهش ارزش لیره سوریه و جهش قیمت سوخت، مواد غذایی و کالاهای ضروری می‌شود. در نتیجه هزاران شهروند ساده سوریه بر اساس شواهد نمایندگان آژانس‌های تخصصی بشر دوستانه سازمان ملل متحد در مرز بین مرگ و زندگی قرار دارند» (Sputniknews, 2020). مسکو در سال‌های گذشته سعی بر این داشته که با فعالیت در حوزه مشتقات نفتی، تأمین گندم و سایر کالاهای استراتژیک به کاهش فشارهای اقتصادی بر دولت سوریه کمک کنند (Al-Haj, 2020). علاوه بر این روسیه کمک‌های مالی و اقتصادی فراوانی چه در قالب وام‌های با بازپرداخت بلندمدت، تهیه و نصب اقلام و تجهیزات در ارتباط با بخش انرژی و ارسال مواد

غذایی و دارویی مورد نیاز را در اختیار دولت سوریه گذاشت. در همین خصوص با تحریم بخش انرژی سوریه و بسته شدن باب فروش انرژی، مسکو سازوکاری را فراهم ساخت تا نفت سوریه دریافت و در بازارهای جهانی به فروش برساند و نهایتاً پول حاصل از فروش آن را در اختیار دمشق قرار دهد. چند هفته پس از تحریم‌های اروپایی - آمریکایی بر ضد بشار اسد، در دسامبر ۲۰۱۱ بانک مرکزی روسیه به منظور دور زدن تحریم‌ها، چندین حساب را نزد بانک‌های «وی تی بی»، «وی ای بی» و «گازپروم بانک»^۱ باز کرد که این اقدام باعث شد تا سوریه علیرغم تحریم‌ها، به مبادلات مالی و بین‌المللی خود ادامه دهد. هدف اصلی افتتاح این حساب‌ها، واریز و خارج کردن دارایی‌های بانک مرکزی سوریه نزد مؤسسات اروپایی بوده است (Yazigi, 2014, P.4). تحت چنین شرایطی که سوریه مورد حمله تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد شرکت نفت و گاز روسیه در دسامبر ۲۰۱۴ یک قرارداد ۹۰ میلیون دلاری جهت اکتشاف و تولید نفت با سوریه امضا کرد (Saul, 2014).

پشتیبانی تسلیحاتی و لجستیک

احتمال کمبود سلاح‌های به روز شده و مهمات مورد نیاز ارتش بشار اسد از یک سو و کمک‌های مستمر جبهه غربی و برخی کشورهای عربی به گروهک‌های تکفیری از جانب دیگر مقامات کرملین را به شدت نگران ساخته بود. روس‌ها از ابتدای بحران تاکنون حجم عظیمی از تسلیحات را در اختیار ارتش سوریه قرار داده است. فدراسیون روسیه چنین استدلال می‌کند که طبق قراردادهای نظامی با دمشق که مدت اعتبار آن‌ها نیز باقی مانده، به این کشور سلاح می‌فروشد و ادعای غربی‌ها مبنی بر اینکه حمایت تسلیحاتی روسیه خلاف حقوق بین‌الملل است، وجاهت منطقی و قانونی ندارد. زمانیکه آمریکا جهت ایجاد ترس و تهدید بشار اسد اعلام کرد که ناو جنگی اعزام خواهد نمود، بلافاصله با عکس العمل روسیه مواجه شد و ۶ ناو جنگی خود را به مدیترانه اعزام کرد. اگر چه نیروهای امنیتی روسیه اعلام کردند که این ناوها تنها مربوط به نیروی دریایی روسیه به منظور تامین امنیت جان شهروندان روسی در بندر طرطوس است (Pasandideh, 2012, P.1). روس‌ها همچنین در سال ۲۰۱۴ توسط هواپیماهای گول‌پیکر آنتونوف 124s فرستادن وسایل نقلیه و خودروهای زره‌ای، تعدادی هواپیمای بدون سرنشین جاسوسی، رادار، سامانه‌های جنگ الکترونیک، قطعات یدکی بالگرد و بمب‌های هدایت‌شونده از طریق پایگاه دریایی طرطوس و فرودگاه دمشق جهت استفاده ارتش سوریه را در دستور کار قرار داده است (Saul, 2014). علاوه بر موارد

^۱-Gazprombank

فوق می‌توان به تسلیحات فوق پیشرفته‌ای از جمله بالگردهای جنگی، ۳۶ فروند هواپیمای یاگ ۱۳۰، هواپیمای میگ ۲۹ اشاره داشت (Adami, 2013, P.64). هنگامی که خبر سقوط یکی از جنگنده‌های ترکیه توسط ارتش سوریه در اوایل تیرماه ۱۳۹۱ منتشر شد، بسیاری از گمانه‌زنی‌ها آن را به مثابه یکی از عرصه‌های تقابل روس‌ها با نیروهای ناتو قلمداد می‌کردند. این ادعا از دو دلیل سرچشمه گرفته بود. اول آنکه این هواپیما از سوی یکی از سامانه دفاع ضد هوایی پیشرفته به نام Buk-M2 مورد هدف قرار گرفته بود که به تازگی توسط روسیه در اختیار دولت سوریه گذاشته است. این سامانه که در میان کارشناسان ناتو به Sa-11 شهرت دارد، توانایی هدف‌گیری هواپیماهای جنگی تا ارتفاع ۱۴ کیلومتر و سرعت ۳ ماخ (هر ماخ برابر با ۱۲۲۴ کیلومتر در ساعت) را داراست. نکته بعدی آن بود که این سامانه تنها چند هفته پیش از وقوع این اتفاق در اختیار ارتش سوریه قرار گرفته بود و از منظر برخی به دلیل اینکه نیروهای سوری هنوز آمادگی استفاده از این سلاح پیشرفته را نداشتند، فلذا موشکی که از سوی این سامانه به سوی هواپیمای ترکی پرتاب شده، توسط خود روس‌ها شلیک شده است درخور توجه است که اسرائیل به صورت ادواری برخی مواضع ارتش دولت سوریه را توسط جنگنده‌های خود مورد هدف قرار می‌دهد. این عملیات موجب شد تا شائبه جنگ فراگیر غرب علیه سوریه تقویت شود. پس از این بود که ولادیمیر پوتین در طی تماس تلفنی با بنیامین نتانیاهو هشدار داد کشورش دیگر، هیچ حمله دیگری از اسرائیل به سوریه تحمل نخواهد کرد و فوراً واکنش نشان خواهد داد. در این گفتگو پوتین اعلام کرد که دستور داده تا روند ارسال تسلیحات پیشرفته روسیه به سوریه تسریع شود و این که اجازه نمی‌دهد نه آمریکا و نه اسرائیل و یا هر قدرت دیگر دولت بشار اسد را سرنگون کند و از نتانیاهو خواسته است که این نکته را به خاطر بسپارد (Hedayati & Vladimirovich, 2015, P.75). بنابراین روسیه مدیریت بهتر و مطمئن‌تر بحران را در سپهر کمک‌های لجستیکی - تسلیحاتی مفید می‌بیند.

تهاجم نظامی (هوایی)

رصد میدانی تحولات سوریه نشانگر این مسئله بود که در برهه‌هایی توازن قوا بر ضرر بشار اسد تغییر پیدا کرده بود. مقامات کرملین به این نتیجه رسیده بودند که در صورت عدم بمباران مواضع گروه‌های تروریستی امکان سقوط دمشق وجود دارد. طبیعتاً یکی از سناریوهایی که میشد به امکان وقوع آن خوش‌بین بود، آغاز حملات نظامی روسیه از پایگاه هوایی حمیمیم^۱ در شهر لاذقیه بود. ساخت و طراحی

^۱-Hmeimim

این پایگاه مؤید این نکته است که خود را برای حملات هوایی به مواضع داعش و دیگر گروه‌های تروریستی آماده می‌کنند. در خصوص مدیریت بحران‌های بین‌المللی نمی‌توان حملات کنترل‌شده و کوتاه‌مدت را در ذیل مدیریت خشونت‌آمیز بحران‌ها جای داد. مثل معروفی میان پیرمردان روسی وجود دارد که می‌گویند: «از آنجایی که گورباچف بوی باروت به مشامش نخورده بود، سرزمین پهناور شوروی را به نابودی کشاند». بسیاری از کارشناسان، عواملی چون افزایش مخارج نظامی، رقابت تسلیحاتی و پذیرش تعهدات فراتر از توان و ظرفیت اقتصادی را که منجر به ایجاد مشکلات اقتصادی گسترده‌تر می‌شود؛ عامل فروپاشی شوروی دانستند (Motaharnia, 2015). روس‌ها با این درس تاریخی در دوره صدرات پوتین سعی دارد تا جای ممکن از جهت‌گیری‌های عجولانه و نسنجیده پرهیز کند و همواره با در نظر گرفتن شرایط کنونی و آینده به اتخاذ تصمیم بپردازد (Aghahosseini et al., 2014, P.179). منتها به‌طور کلی برآوردها حاکی از این است که در اثر حملات هوایی سوریه تاکنون ۱۸۰۰۰ هزار از تروریست‌ها کشته شده‌اند و بسیاری از آن‌ها پایگاه‌ها و سنگرهای مبارزه خود را ترک کرده‌اند. روس‌ها در حوزه حملات هوایی بسیار موفق عمل کردند و همین مسئله کمک زیادی کرد تا بخش‌های زیادی از مناطق تحت تصرف گروه‌های تروریستی باز پس گرفته شد و شاهره‌های مهم ارتباطی نیز در اختیار دولت مرکزی قرار گرفت (Russell, 2018, P.2). به علاوه عملیات هوایی جنگنده‌های روسیه پوششی را برای یگان‌های ارتش سوریه، نیروهای بسیج مردمی، مستشاران نظامی ایرانی و گردان‌های رزمی حزب‌الله لبنان بر روی صحنه زمینی فراهم ساخت و عملاً توازن و آرایش نیروها را به نفع سوریه و حامیانش متوازن ساخت.

مدیریت رسانه‌ای بحران

دولت‌ها با کمک رسانه‌ها، عقاید و استدلال‌های عامه مردم را تحت کنترل خود قرار داده و عملاً وارد جنگ‌های اطلاعاتی می‌شوند. رسانه‌ها به عنوان یک بازیگر قادر خواهند بود ضمن تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهان، بستر ساز تضعیف گروه‌های ناهمسو با خود باشند. از این نظرگاه وقایع سوریه نیز از این دست‌کاری‌های اطلاعاتی مصون نمانده است. مقامات کرملین واقف هستند که نقش رسانه‌ها اگر چه بیشتر از دیپلمات‌ها و پیاده نظام مبارز در کارزارهای جنگی نباشد، بدون تردید کمتر نیست؛ از این منظرگاه تلاش روس‌ها جهت مدیریت رسانه‌ای بحران از موارد منحصر به فرد است. آنها از ابتدای بحران تاکنون تعامل مداومی با رسانه‌های اجتماعی و سیاسی خود برقرار ساخته‌اند. روسیه نه تنها در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک بلکه در حوزه رسانه‌ای حمایت بی‌وقفه‌ای را برای بشار اسد ارائه داده است. رسانه‌های روسی تکفیری‌ها را عمدتاً با دو کلیدواژه القاعده و تروریست به مخاطبان خود معرفی می‌کنند

(Salahi, 2020). کارکرد محوری رسانه‌های روسی در تحولات سوریه ایجاد فضایی جهت مشروعیت - بخشی به مجموعه فعالیت‌های این کشور بود. رویکرد رسانه‌های روسی القاء و نهادینه‌سازی این مسئله بود که رویه سیاسی - دیپلماتیک آنها در بحران سوریه صلح‌آمیز است و هدف اصلی آن مخالفت با راهکارهای قهری و نظامی کشورهای غربی و گروه‌های تروریستی - تکفیری جهت مداخله در قلمرو سوریه و براندازی دولت قانونی این کشور است (Shumilin, 2014, P.1). کرملین با ایجاد سردرگمی، برانگیختن ترس از گروه‌های تروریستی و ایجاد کارزار تبلیغاتی جهت بین بردن اعتماد به نهادها و کشورهای غربی، سعی در دستیابی به اهداف خود داشته است (Alami, 2018). از جمله برجسته‌ترین رسانه‌های روسی که در بحران سوریه نقش آفرینی کردند می‌توان به آر تی^۱ و اسپوتنیک^۲ و اینترفاکس^۳ اشاره داشت. به منظور ملموتر شدن شیوه‌های مدیریت رسانه‌های بحران سوریه به چند مورد ملموس اشاره می‌شود. شبکه آر تی روسیه در یکی از خبرهای خود به نقل از جیمز جفری، فرستاده ویژه ایالات متحده برای سوریه، اشاره می‌کند که هدف این کشور بحران آفرینی در سوریه و تداوم آن به صورت فرسایشی است. پس به بیان جفری اشاره می‌کند که گفته بود: «کار من این است که سوریه را برای روس‌ها تبدیل به یک ویتنام یا افغانستان کنم» (Rt, 2020). شبکه آر تی سپس به این صورت موضع خود را اعلام می‌کند: «اشارات جفری در خصوص افغانستان بسیار ناشایست است. کاری که آمریکا اکنون انجام می‌دهد دقیقاً همان کاری است که دولت کارتر در ۱۹۷۸ انجام داد. عوامل کارتر به طرز پنهانی از شبه نظامیان اسلامی در افغانستان حمایت کردند تا مداخله شوروی را برانگیزد. زیبگنیو برژینسکی، این کار برای فریب دادن اتحاد جماهیر شوروی در جنگ پرهزینه و بی پایان انجام داد. برژینسکی با نقش خودش از تبعات منفی این تلاش‌ها غافل شد. در واقع پیامد این تلاش‌ها موجی از تروریسم را شکل بخشیده است که اکنون حتی سربازان آمریکایی را از بین می‌برد» (Rt, 2020). در سال ۲۰۱۹ خبرگزاری اسپوتنیک با استناد به اظهارات سرلشکر ایگور کونشنکوف سخنگوی وزارت دفاع روسیه برخی تصاویر ماهواره از قاچاق نفت سوریه در استان دیرالزور^۴ توسط آمریکا منتشر کرد. همچنین در سطح وسیع موضع گیریکونشنکوف را بازتاب داد که اظهار داشته بود: «تصاویر اطلاعاتی نشان می‌دهد که تحت حمایت سربازان آمریکایی در هنگام قبل و

^۱-Rt (Russia Today)

^۲-Sputnik

^۳-Interfax

^۴-Deir Ez-Zor

بعد از شکست نیروهای تروریستی داعش نفت به صورت فعالانه و مستمر استخراج شده است و به‌طور گسترده صادر شده است. عملیات ایالات متحده در شرق سوریه و اقدامات آن در مورد نفت سوریه فقط می‌تواند به عنوان راهزنی دولتی و بین‌المللی^۱ توصیف شود. تمامی منابع انرژی در سوریه که تحت کنترل تروریست‌های داعشی بوده یا اکنون تحت کنترل نظامیان آمریکایی قرار دارد، متعلق به جمهوری عربی سوریه است» (Sputniknews, 2019).

با این تفصیل بر اساس مکعب بحران چارلز هرمان و تبیین شدت و ضعف سه عنصر اساسی آن یعنی تهدید، زمان و آگاهی می‌توان بیان داشت که بحران سوریه بر روی نقطه «C» مکعب قرار می‌گیرد و از نوع بحران‌های بطئی و کند است، به این صورت که شدت تهدید علیه روسیه بالا نبوده و زمانی زیادی جهت برنامه‌ریزی و پاسخگویی به عناصر تهدید را وجود دارد و البته به دلیل کمبود اطلاعات، میزانی از غافلگیری نیز به چشم می‌خورد. از این با توجه به ادراک تیم مدیریتی روسیه در بحران، الگوی این کشور جهت کنترل بحران سوریه از نوع هوشمند و با تأکید بر اولویت بهره‌گیری از اهرم‌های نرم و مسالمت‌آمیز بوده است.



منبع: نگارنده

نمودار ۲: الگوی مدیریت و مکعب بحران سوریه

^۱-International State Banditism

نتیجه‌گیری

در عرصه بین‌المللی و زیرسیستم‌های منطقه‌ای T کنشگرانی که ارزش‌ها و منافع حیاتی آن‌ها در معرض خطر جدی قرار گرفته است، بلافاصله پس از پدیدار شدن وضعیت بحرانی، ضمن توجه به محدودیت‌ها و مقدوریت‌های مترتب در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، شرایط توپوگرافی و جغرافیایی، مدیریت و کنترل بحران‌ها و شیوه مقابله با عناصر برهم‌زننده نظم سابق را در دستور کار مطالعاتی و عملیاتی قرار می‌دهند. از این‌رو مدیریت بحران هم‌زاد با پدیده بحران است؛ نکته قابل تأمل این است که از دیرباز دولت‌ها و بازیگرانی وجود دارند که آسیب‌پذیر ساختن و هزینه‌سازی برای رقبای و متحدان آنها را از رهگذر چالش‌سازی و بحران‌آفرینی دنبال می‌کنند. با توجه به اینکه بحران سوریه منافع فدراسیون روسیه در بخش خاورمیانه عربی و زیرسیستم استراتژیک مدیترانه را با چالش جدی مواجه ساخته است، جهت دفاع از منافع سیاسی، ژئوپلیتیکی، امنیتی و ژئواکونومیکی در این زیرسیستم‌ها به صورت عام و کشور سوریه به صورت خاص، گریزی از مدیریت بحران در راستای بازگرداندن و برقرار ساختن صلح و ثبات در این کشور ندارد. مدل‌های زیادی جهت کنکاش و تبیین چرایی نقش آفرینی قدرت‌های فرمانطقه‌ای نظیر روسیه جهت دفاع از منافع خود در طول بحران سوریه وجود دارد. مدل مکعب بحران چارلز هرمان به دلیل وضوح و شفافیت ویژه‌ای که دارد قابلیت تحلیل و تبیین الگوی مدیریتی فدراسیون روسیه جهت کنترل تحولات سوریه را دارد. این مدل دارای سه مؤلفه تهدید، زمان و آگاهی است و با توجه به شدت و ضعف و وجود یا فقدان هر کدام از آن‌ها، نوع ادراک، تعریف از بحران و رفتار عملیاتی کنشگران ذی‌نفع در طول تحولات نیز متفاوت است. از ترکیب این سه شاخه، هشت وضعیت بحرانی شدید، نوظهور، بطئی، وضعیتی، انعکاسی، برنامه‌ای، عادی و اداری پدیدار می‌شود. الگوی مدیریت بحران کشورها نیز با توجه به ماهیت هر کدام از بحران‌های هشت‌گانه مطرح در مکعب، فرق می‌کند. از این‌رو این سؤال مطرح شد که الگوی روسی مدیریت بحران سوریه از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ باید بیان داشت که بحران سوریه در گستره جغرافیایی خاورمیانه و با فاصله زمانی و مکانی بسیار طولانی از سرزمین روسیه اتفاق افتاده است به همین خاطر سرزمین و مردم روسیه و ارزش‌های حیاتی این کشور به صورت مستقیم در معرض تهدید جدی قرار نگرفته است، لذا نظر به همین فاصله مکانی و عدم فوریت در پاسخگویی به بحران، تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان روسیه زمان کافی و مناسبی جهت پایش و پوشش تحولات با هدف اتخاذ بهترین راهبرد را در اختیار داشتند، اما به واسطه عدم وجود اطلاعات و داده‌های مورد وثوق و گزاره‌های روایی در خصوص روندهای آتی، تاکتیک رقبا و همچنین مکان و زمان عملیات‌های تروریستی توسط

عناصر تکفیری، میزانی از غافلگیری راهبردی پیش روی مقامات کرملین قرار داشت. برهم‌کنش این سه حالت منجر به این شد که روس‌ها مدیریت بحران را به صورت هوشمند و با تأکید بر اهرم‌های نرم‌افزاری و مسالمت‌آمیز را مناسب‌تر قلمداد کنند. به همین خاطر در وهله اول استفاده از پتانسیل‌های دیپلماتیک خود نظیر وتو کردن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد با هدف ممانعت از تهاجم نظامی به دولت سوریه را در دستور کار قرار دادند، هم‌زمان مشارکت فعالی در نشست‌های دیپلماتیک در موسکو داشته و شرکت در برخی نشست‌های ضد سوری را - علی‌رغم دعوت رسمی از جانب برگزارکنندگان نشست‌ها - تحریم کردند. راهبرد اتحاد‌سازی با قدرت‌های تأثیرگذار منطقه‌ای به ویژه جمهوری اسلامی ایران و چین به عنوان تنها متحد فرامنطقه‌ای و دارای حق وتوی این کشور نیز کمک‌شایانی به الگوی مدیریتی روس‌ها کرد، از سوی دیگر به دلیل شدت تحریم‌ها، محاصره اقتصادی و دارویی دولت و مردم سوریه، کمک‌های مالی و اقتصادی زیادی به دولت و مردم سوریه ارائه کردند، در این میان کمبود تسلیحات ارتش سوریه از یک سو و تجهیز بیش از پیش عناصر تروریستی توسط کشورهای عربی، اروپایی و آمریکا از سوی دیگر، منجر به تحویل بیش از موعد مقرر اقلام مندرج در قراردادهای تسلیحاتی به ارتش سوریه - و حتی مقادیری افزون بر اقلام مندرج در مفاد قراردادها - شد. با این وجود به رغم تمام تلاش‌های فوق‌نیروی هوایی روسیه با استفاده از تجهیزات پیشرفته در برهه‌های حساس و با درخواست دولت سوریه - و به صورت ادواری - مواضع گروهک‌های تروریستی را مورد هدف قرار دادند. این حربه تکمیل‌کننده سازوکارهای نرم‌افزاری مدیریت بحران سوریه به شمار می‌آید.

References

- AghaHosseini, A.; EmamJomeZadeh, J., & forooghi, A. (2013). Government, Identity and Foreign Policy in the Curent Iran, *Strategic Research of Politics*, (1925-2011), 2(7), 125-146. (in Pesian)
- Alami, M. (2018). Russia's Disinformation Campaign Has Changed How We See Syria, Policy Paper, *Atlantic Council*.
- Al-Haj, T. (2020). Russia Sets New Tactics to Save Syrian Economy, *Enabbaladi*, Available At: <https://English.Enabbaladi.Net/Archives/2020/06/Russia-Sets-New-Tactics-To-Save-Syrian-Economy/>(Accessed On: 8/3/2020).
- AliBabaei, G. (1996). Culture of International Relations, Tehran: Office of Political and International Studies, *Ministry of Foreign Affairs*. (in Pesian)
- Allison, R. (2013). Russia And Syria: Explaining Alignment with A Regime in Crisis, *International Affairs*, (Royal Institute of International Affairs 1944-), 89(4), 795-823.
- Behraves, M., & Cafiero, G. (2019). Can Russian-Iranian Alignment in Syria Last? Policy Paper, *Middle East Institute*.

- Benammar, E. (2013). Syria Conflict: Why Is Russia's President Vladimir Putin Supporting Bashar Al-Assad's regime? *Abc. Net*, Available at: [Http://Www.Abc.Net.Au/News/2013-09-06/Why-Is-Russia-Supporting-Assad3f/4937028](http://www.Abc.Net.Au/News/2013-09-06/Why-Is-Russia-Supporting-Assad3f/4937028)(Accessed On: 4/6/2018).
- Borshchevskaya, A. (2016). *Vladimir Putin And the Shitte Axis*, Foreign Policy, 30 August.
- Bryanski, G., & Blanchard, B. (2012). Russia Wants Broad Meeting on Syria to Support Annan Plan, *Reuters*, Available at: [Http://Www.Reuters.Com/Article/2012/06/06/Us-Russia-Syria-Idusbre8550ci201206061](http://www.Reuters.Com/Article/2012/06/06/Us-Russia-Syria-Idusbre8550ci201206061). (Accessed On: 24/10/2018).
- Ghaempanah, S. (2006). Analysis of Iran and the Atomic Energy Agency Crisis Based on the Crisis Cube Model, *Middle East Studies*, 9, 20-28. (in Pesian)
- Grove, T., & Kasolowsky, R. (2013). Russia Says Rebels May Have Staged Alleged Syrian Chemical Attack, *Reuters*, Available at: [Http://Www.Reuters.Com/Article/2013/08/21/Us-Syria-Crisis-Chemicals-Russia-Idusbre97k0sb20130821](http://www.Reuters.Com/Article/2013/08/21/Us-Syria-Crisis-Chemicals-Russia-Idusbre97k0sb20130821)(Accessed On: 3/1/2019).
- Islamian, K. (2019). The Russia-Iran Relationship in A Sanctions Era, *Ui. Se*, Available at: [Https://Www.Ui.Se/Utrikesmagasinet/Analyser/2019/November/The-Russia-Iran-Relationship-In-A-Sanction-Era/](https://www.Ui.Se/Utrikesmagasinet/Analyser/2019/November/The-Russia-Iran-Relationship-In-A-Sanction-Era/)(Accessed On: ۱/۲/2020).
- Janine, M. (2018). Russia, Iran and turkey, a common strategy in Syria? *Cidob Barcelona Centre For International Affairs*, Notes Internacionals Cidob 196.
- Kavlick, A. (2015). Prospects for A U.S.-Russian Partnership In Syria, *Joint Forces Staff College or the department of Defense*.
- Kazemi, A. A. (1989). *Management of International Crises*, Second Edition, Tehran: Islamic Culture Publication. (in Pesian)
- Kiani, D. (2008). Russia's Policy in the Middle East: Axes and Motivations, *rahbord*, 47, 368-380. (in Pesian)
- Küçükkeleş, M. (2012). *Arab League's Syrian Policy*, Policy Brief Seta Foundation for Political, Economic and Social Research.
- Kurtzer, D. (2018). *Syria And Beyond: Managing Russian Ambitions in The Middle East*, Woodrow Wilson School of Public and International Affairs, Princeton University, Policy Workshop Final Report.
- Lund, A. (2014). *Russia's Influence in Syria*, The Million Ruble Question.
- Malashenko, A. (2013). Russia and the Arab Spring, *Carnegie Moscow Center*.
- Mirfakhrae, S. H., & Golestan, M. (2016). *The Great Powers and International Crises Management, Behavioral Pattern of Actors, A Case Study of the Syrian Crisis*, Tehran: Farhikhtegan Daneshgah. (in Pesian)
- Nasrollahi, A. (2010). *Management of Crisis News Coverage in Professional Media*, Tehran: Neshaneh Publicatio. (in Pesian)
- Pasandideh, S. (2012). The Perspective of Russia-US Relations after the Disagreement on Syria, Strategic Report, *International Center for Peace Studies*. (in Pesian)

- Plofchan, T. (2014). Timeline: Syrian Civil War, *Cairo Review*, Documents.
- RamezaniBoonesh, F. (2015). China's Important Military-Security Goals and Interests in the Middle East, Strategic Report, *International Center for Peace Studies*. (in Persian)
- Rodkiewicz, W. (2020). Defying America. Russia's Policy Towards Iran, *Osw Commentary*, *Centre For Eastern Studies*, Number 319.
- Roggio, B. (2013). Chechen Commander Forms Army of Emigran, Integrates Syrian Groups, *The Long War Journal*, A Project of The Foundation for Defense of Democratic.
- Rojansky, M. (2012). Russia Softens Stance on Syria, *Carnegile Endowment for International Peace*.
- Russell, M. (2018). Russia in the Middle East from Sidelines to Centre Stage, *Eprs European Parliamentary Research Service*, P. 630.293.
- Russiatoday. (2020). Us Anti-Isis Chief Says His Goal in Syria Is to Create a 'Quagmire' For Russia, Not Battle Terrorism, Available at: <https://www.rt.Com/News/488491-Us-Syria-Russia-Quagmire/>(Accessed On: ۶/۴/2020).
- Salahi, A. (2018). Is Assad Now a Liability? The Mysterious Russian Media Campaign Against Syria's Dictator, *English.Alaraby*, Available at: <https://English.Alaraby.Co.Uk/English/Indepth/2020/5/1/Is-Syrias-Assad-Now-A-Liability-To-Russia> (Accessed On: ۲۰/۳/20۲۰).
- Sarie'olghalam, M. (2016). International System and Modern Geo-Politics in Middle East, *Scientific Journal Management System*, 12(1), 101-140. (in Persian)
- Shumilin, A. (2014). The Syrian Crisis and Russia's Approach to The Gulf, *The Gulf Research Center*.
- Sputniknews. (2019). Russian Military Releases Satellite Images Confirming Us Smuggling of Syrian Oil, Available at: <https://Sputniknews.Com/Middleeast/201910261077154752-Russian-Military-Releases-Satellite-Images-Confirming-Us-Smuggling-Of-Syrian-Oil/>(Accessed On: 8/3/2020).
- Takhshid, M. R., & Shoja, M. (2018). Explaining Russia's Intervention in the Syrian Crisis from a Geopolitical Perspective, *Central Eurasia Studies*, 11(2), 305-320. (in Persian)
- Trenin, D. (2019). Russia's Comeback Isn't Stopping with Syriam, *Nytimes*, Available at: <https://Www.Nytimes.Com/2019/11/12/Opinion/Russias-Comeback-Isnt-Stopping-With-Syria.Html>(Accessed On: 24/11/2019).
- Weaver, M., & Whitaker, B. (2012). Syria Crisis: Top Defection As 'Friends of Syria' Meet - Friday 6 July 2012, Brief Paper, *The Guardian*.
- Xing, Q. (2012). The Un Charter, The Responsibility to Protect, and the Syria Issuechina, *International Studies*.
- Yazigi, J. (2014). Syria's war economy, *European Council on Foreign Relarion.Ecfr.Ec.97*.